



نشریه بسج اساتید
دانشگاه علم و صنعت ایران

محکومیت اهانت
به ساحت قدسه پیامبر اعظم (ص)



دهه مبارک فجر



شیطان و نقش او در زندگی انسان (۲)



مصاحبه با دکتر جبل عاملی
ریاست پیشین دانشگاه



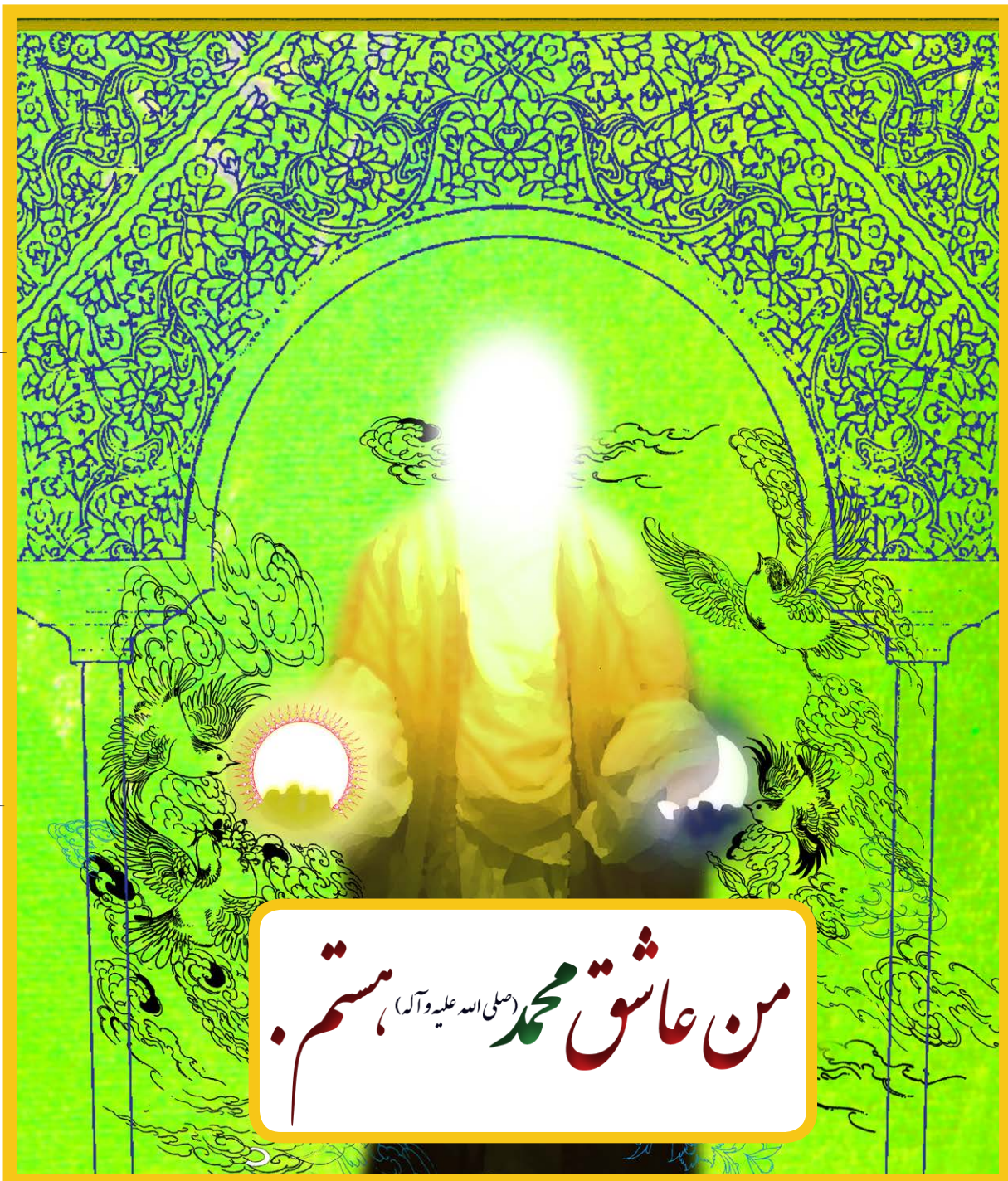
آیا خرمشهر به آرمان هایمان وصل بود؟



صنعت ماهواره در ایران
دیروز، امروز، فردا



من عاشق او هستم، او که اگر راه و خورشید را کف دستش می گذاشتی، دست از پادشاهی مردم بر روی سر خدا و پشت برمی داشت.



من عاشق محمد (صلی الله علیه و آله) هستم.



دهه مبارک فجر بر همه دانشگاهیان مبارک باد

سفارش فرموده است از دست ندهید؛ و در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقای آن است، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است.» همچنین ایشان می‌فرمایند: «شما می‌دانید که در این نهضت آن چیزی که ما را پیش برد دو مطلب بود، که یکی از آنها اساس بود و یکی از آنها به واسطه آن اساس تحقق پیدا کرد. آن که اساس بود اینکه مردم به عنوان اسلام و به عنوان ایمان و عقیده وارد این میدان شدند.»

به همان اندازه که حفظ و بقای انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی نیازمند توجه به این رکن اساسی یعنی اسلام و حفظ روحیه معنوی در بین مردم و اتکال به خداست، مقابله با آن نیز جز از طریق مقابله با اسلام ناب محمدی و جلوگیری از نشر و گسترش آن و یا به انحراف کشیدن آن و جایگزین نمودن اسلام آمریکایی میسر نیست. اگر خدای نخواستہ روزی

جرقه نهضت اسلامی مردم غیور ایران در سال ۱۳۴۲ زده شد. در ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶ شعله‌ور شد و در بهمن سال ۱۳۵۷ خانه ظلم را ویران کرد. از اینرو دهه فجر که بین آمدن خورشید انقلاب به وطن تا پیروزی قطعی آن است اهمیت بسزائی در تاریخ ملت عزیز ایران دارد و به تعبیر امام عزیزمان از ایام ... است.

براستی چه عواملی ملت ایران را با دست خالی در انقلاب پیروز کرد و پس از آن نیز تا به امروز از توطئه‌ها و بحران‌های

کمرشکن عبور داد؟ حضرت امام خمینی (ره) در فرآزی از وصیت نامه سیاسی - الهی خود در این مورد می‌فرمایند: «بی‌تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است؛ و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسلهای آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن: انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی؛ و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد. اینجانب به همه نسلهای حاضر و آینده وصیت می‌کنم که اگر بخواهید اسلام و حکومت الله برقرار باشد و دست استعمار و استثمارگران خارج و داخل از کشورتان قطع شود، این انگیزه الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم بر آن



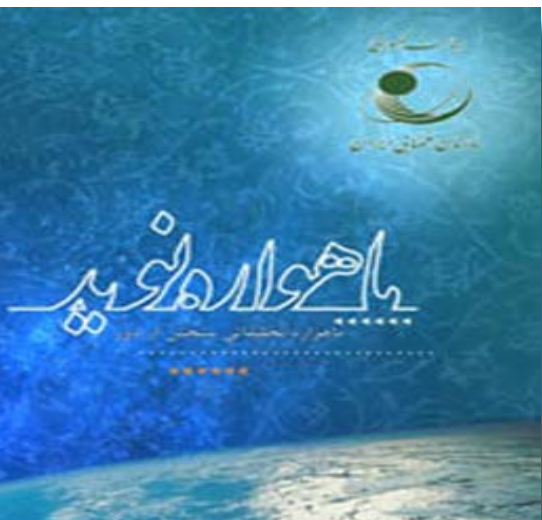


کشور خارجی متجاوزان را شکست دادیم، به یاری خدا باقیمانده راه پرنشیب و فراز را با اتکای به خدا، تنها خواهیم پیمود و به وظیفه خویش عمل خواهیم کرد، یا دست یکدیگر را در شادی پیروزی جهان اسلام در کل گیتی می‌فشاریم و یا همه به حیات ابدی و شهادت روی می‌آوریم و از مرگ شرافتمندانه استقبال می‌کنیم ولی در هر حال پیروزی و موفقیت با ما است و دعا را هم فراموش نمی‌کنیم.»

ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست، یا همه آزاد می‌شویم و یا به آزادی بزرگتری که شهادت است می‌رسیم و همان‌گونه که در تنهایی و غربت و بدون کمک و رضایت احدی از کشورها و سازمانها و تشکیلات جهانی، انقلاب را به پیروزی رساندیم، و همان‌گونه که در جنگ نیز مظلومانه تر از انقلاب جنگیدیم و بدون کمک حتی یک

دشمن بتواند حتی با عناوین دهن پرکن و به ظاهر موجهی از قبیل ملی‌گرای، اسلام را از صحنه زندگی اجتماعی و عرصه اداره کشور و حکومت کنار بزند قطعاً نشانه‌های پیروزی دشمن و شکست انقلاب ظاهر خواهد شد. بی‌جهت نیست که امام در اواخر عمر پربرکت خویش می‌فرماید: «من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهانخواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند،





به مناسبت ۱۴ بهمن، روز ملی فناوری فضای

صنعت ماهواره در ایران دیروز، امروز، فردا

معروف بل و با سرمایه گذاری خصوصی شرکت AT&T بود، توانست با بازپخش کنفرانس مطبوعاتی رییس جمهور آمریکا، ارسال تصاویر و پخش زنده تلویزیونی یک بازی مهم انقلاب مهمی را در صنعت ماهواره رقم بزند. پس از آن بود که این صنعت به عنوان یک صنعت پرسود در آینده مورد توجه تمام دنیا قرار گرفت. اگرچه Telstar قابلیت های خوبی از خود نشان داد، اما تنها یک کانال تلویزیونی را بازپخش می کرد و هنوز این صنعت علیرغم سرمایه گذاری بلندمدت، سودآوری تجاری نداشت. در دهه ۷۰ میلادی ماهواره کاربردهای نظامی، صنعتی و تجاری زیادی در سرتاسر جهان پیدا کرده بود. از آن زمان تا کنون، ماهواره ها با کاربردهای متنوع و مختلفی در حوزه های مختلف علوم ساخته و پرتاب شده اند و این صنعت در میان سایر صنایع مخابراتی، جایگاه بسیار والایی پیدا کرده است.

کاربرد ماهواره ها و انواع آنها

در یک نگاه کلی می توان ماهواره ها را به سه دسته مدار پایین (LEO)، مدار

شاید بسیاری از ما هنوز با شنیدن نام ماهواره، دیش ها و رسیورهای موجود در بازار با پس زمینه ها و آسیبهای فرهنگی اجتماعی آن در ذهنمان تداعی شود که اما شاید شنیدن این که «به ازای هر دلار در بازار سرمایه گذاری در صنعت ماهواره، ۴۷ دلار بازگشت سرمایه دارد»، کاملا فضای ذهنی مان را تغییر خواهد داد.

دکتر سیدحسن صدیقی،
عضو هیئت علمی دانشکده
فناوری های نوین

تاریخچه ماهواره در جهان

سال ۱۹۵۷ بود که شوروی با ارسال ماهواره Sputnik (۴ ام اکتبر) به فضا اولین دسترسی بشر به فضا را به نام خود ثبت کرد تا صنعت ماهواره پا به عرصه وجود بگذارد. دو ماه بعد، اولین تلاش آمریکا برای پرتاب ماهواره Vanguard TV۳ شکست خورد. در فاصله کمتر از ۲ ماه، آمریکا ماهواره Explorer۱ را با موفقیت به فضا پرتاب کرد (۱ Feb ۱۹۵۸) و بلافاصله پس از آن NASA را تشکیل داد (۲۹ July ۱۹۵۸) تا در این رقابت علمی از رقیب دیرینه خود جا نماند. هر دو ماهواره بسیار ساده و سبک بودند و حدود ۴ ماه هم بیشتر عمر نکردند. در سال ۱۹۵۷ و آمریکا و شوروی ۱۲ پرتاب ماهواره داشتند که ۵۰ درصد آنها با شکست مواجه شد که با توجه به هزینه های سنگین ساخت و پرتاب ماهواره، بسیار نا امید کننده به نظر می رسید. اما این رقابت علمی و پرکاربرد و جذاب تازه شروع شده بود و باید ادامه پیدا می کرد. در دهه ۶۰ میلادی، ۷ پرتاب موفق ماهواره دیگر در دنیا ثبت شد و کشورهای دیگر مانند انگلیس، استرالیا، فرانسه، کانادا و ایتالیا نیز به جمع این باشگاه علمی پیوستند. در سال ۱۹۶۳ اولین تماس تلفنی بین جان اف کندی، رئیس جمهور آمریکا و نخست وزیر نیجریه با استفاده از ماهواره Syncom۲ برقرار شد. پرتاب ماهواره Telstar۱ تحول شگرفی را در صنعت ماهواره موجب گردید. این ماهواره ۷۷ کیلوگرمی GEO که محصول همکاری علمی آزمایشگاه



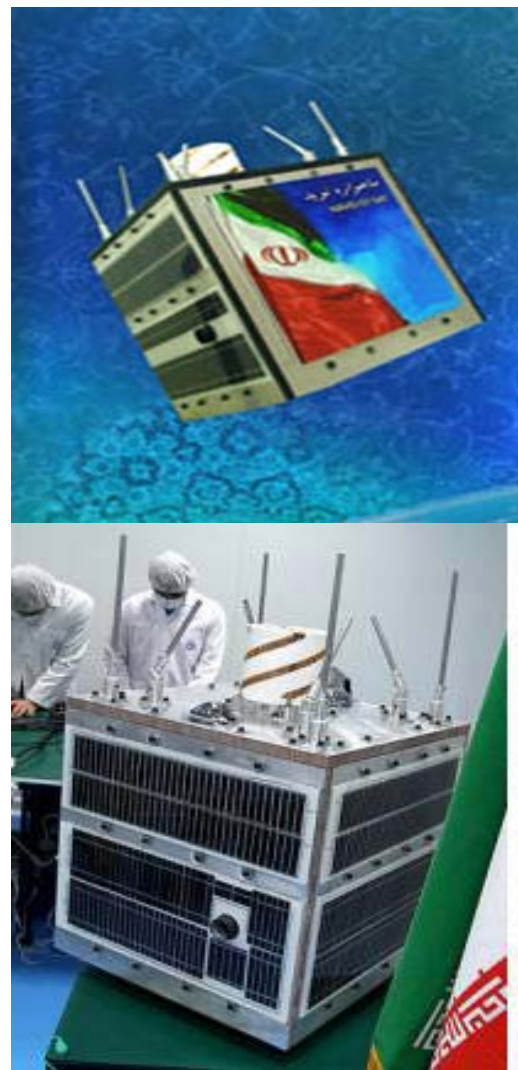
صنعت ماهواره

صنعت ماهواره در سال ۲۰۱۳، مبلغ ۱۹۵/۲ میلیارد دلار سودآوری داشته است که این سودآوری را می توان در چهار بخش دسته بندی نمود: ساخت ماهواره، پرتاب ماهواره، تجهیزات زمینی و سرویس های ارتباطی. بخش عمده سودآوری این صنعت، مرتبط با سرویس های ماهواره ای با سهم ۶۱٪ می باشد. نکته حائز اهمیت آن که در این میان تلویزیون های ماهواره ای نیمی از سودآوری صنعت ماهواره را به خود اختصاص داده اند. گزارش های منتشرشده در این حوزه نشان می دهد که ساخت و پرتاب یک ماهواره دو تا چهار سال به طول می انجامد، اما بهره برداری از ماهواره در بازه زمانی ۱۰ تا ۱۵ سال می باشد. ساخت و پرتاب یک ماهواره تجاری مخابراتی هزینه ای بالغ بر ۴۰۰ میلیون دلار هزینه دارد که حدوداً برابر با ۳/۷٪ بودجه عمرانی کشور در سال ۹۳ می باشد. به عبارت دیگر ساخت و پرتاب ماهواره یک سرمایه گذاری بلندمدت و پرهزینه است، اما موضوع وقتی جالب توجه و هیجان آور خواهد شد که بدانیم به ازای هر دلار سرمایه گذاری در این صنعت، ۴۷ دلار سودآوری خواهیم داشت و این یعنی یک صنعت پرسود و اشتها آور برای سرمایه گذاری. البته در کنار این سودآوری مادی و قابل اندازه گیری نباید از کاربردهای امنیتی و نظامی ماهواره در شرایط بحرانی نیز غافل شد. شاید ارائه تصاویر ماهواره ای توسط روسیه برای اثبات بی گناهی خود در انفجار هواپیمای مالزی بر فراز اوکراین در چند ماه گذشته و در نتیجه خاموش کردن خط حمله غرب علیه این کشور را بتوان مصداق بارز کاربرد امنیتی ماهواره دانست، کاربردی که شاید هیچ اقتصاددانی نتواند آن را ارزش گذاری کند.

صنعت ماهواره در ایران

ورود ایران به عرصه فضا با پرتاب موفق ماهواره امید در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۸۷ با پرتابگر داخلی سفیر امید رقم خورد و ایران پس از شوروی، آمریکا، فرانسه، ژاپن، چین، انگلیس، هند و رژیم اشغالگر فلسطین به عنوان نهمین کشور دارنده صنعت پرتابگر وارد باشگاه پرتابگران ماهواره گردید. البته تلاش های مختلف علمی و تحقیقاتی انجام شده در این حوزه در سالیان گذشته که منجر به ساخت ماهواره های مصباح و سینا گردید را نباید فراموش کرد. اما به دلیل عدم وجود

توانمندی داخلی در پرتاب این ماهواره ها که محصول تعامل مشترک محققان کشورمان با کشورهای خارجی بودند، هیچ کدام از این ماهواره ها به صورت موفق در مدار قرار نگرفتند. اگرچه ماهواره امید بسیار ساده و سبک و با عملکرد سطح پایین بود و با ماهواره های غول پیکر امروزی تفاوت غیرقابل انکاری داشت، اما همگان می دانستند که این اولین قدم ایران در حوزه صنعت فضایی است، قدمی که کشورهای قدرتمند دنیا مانند آمریکا نیز راه پر فراز و نشیب صنعت ماهواره را با آن شروع کردند. این قدم استوار و محکم که در شرایط تحریم و با اتکا به نیروی دانشمندان و متخصصان داخلی برداشته شد، موجی از امید و دلگرمی را در صنعت فضایی کشور ایجاد کرد. در ۱۴ بهمن ماه ۱۳۸۸ نیز اولین گام از طرح فرستادن انسان به فضا با پرتاب چند موجود زنده توسط کاوشگر ۳ برداشته شد. پس از این موفقیت ها در سال ۱۳۸۹، جایگاه سازمانی آژانس فضایی ایران به عنوان متولی امور فضایی کشور از معاونت وزارت مخابرات به معاونت ریاست جمهوری ارتقا یافت تا بتواند چابک تر در روند پیشرفت فضایی کشور نقش ایفا کند. در ادامه پرتاب ماهواره ها، ماهواره رصد که محصول صنایع دفاعی و دانشگاه مالک اشتر بود در ۲۵ خرداد سال ۱۳۹۰ به فضا پرتاب شد. این ماهواره اولین ماهواره سنجشی ایرانی با قابلیت عکس برداری از زمین بود که اگر چه طول عمر کوتاهی داشت، اما در مقایسه با ماهواره امید از پیشرفت های خوب و چشمگیری برخوردار بود. براساس سیاست اتخاذ شده از سوی دولت مبنی بر واگذاری پروژه ساخت ماهواره ها به دانشگاه های اصلی کشور، پروژه ساخت ماهواره به صورت مستقل با سه دانشگاه شریف، امیرکبیر و علم و صنعت آغاز شد و این سه دانشگاه به رقابت علمی برای طراحی و ساخت ماهواره براساس مأموریت تعریف شده برایشان پرداخته اند. دانشگاه علم و صنعت با طراحی و ساخت ماهواره نوید پیروز اول این رقابت بود. یعنی سومین ماهواره پرتاب شده ایرانی، ماهواره نوید علم و صنعت بود که با همت متخصصان و اساتید دانشگاه علم و صنعت طراحی و ساخته شد. این ماهواره، یک ماهواره سنجشی با قابلیت عکس برداری با رزولوشن بهتر از ۱۰۰۰ متر بود که با پرتابگر داخلی در تاریخ ۱۴ بهمن ماه ۱۳۹۰ با موفقیت



متوسط (MEO) و مدار همزمان با زمین (GEO) دسته بندی کرد. از نگاه کاربردی نیز می توان ماهواره ها را به دسته های زیر تقسیم بندی کرد:

- ماهواره های مخابراتی
- ماهواره های سنجش از دور
- ماهواره های اکتشاف فضایی
- ماهواره های تحقیقاتی
- ماهواره های نظامی
- ماهواره های ناوبری مانند GPS

هر یک از این دسته ها کاربردهای ویژه و مخصوص به خود دارند و از اهمیت بسزایی در صنعت ماهواره برخوردارند. امروزه از ماهواره ها به منظور بازپخش سیگنال تلویزیونی، برقراری ارتباط مخابراتی، شناخت فضای پیرامون زمین، هواشناسی، پیش بینی بحران های زیست محیطی و ... استفاده می شود. در کشور ما نیز در حال حاضر در بخش های مختلف مانند ایجاد بستر مخابراتی بین جایگاه های سوخت، بانک ها، هواشناسی، بازپخش تلویزیونی و ... از ماهواره ها به صورت گسترده ای استفاده می شود.

به فضا پرتاب شد. پس از این پرتاب، موشک کاوشگر میمون زنده را در تاریخ ۹ بهمن ۱۳۹۰ تا ارتفاع ۱۲۰ کیلومتری حمل کرد و سپس این محموله زیستی با موفقیت به زمین بازگشت تا گام مهم دیگری در راستای ارسال موجود زنده به فضا برداشته شود.

پس از آغاز به کار دولت تدبیر، مهندس ترکان از سوی رئیس جمهور ماموریت به عنوان سرپرست موقت سازمان فضایی منصوب شد و ماموریت یافت تا پیشنهادهای لازم به منظور اصلاح ساختار این سازمان به رئیس جمهور را ارائه کند. ایشان نیز با تشکیل کارگروهی سه پیشنهاد به رئیس جمهور ارائه کرد که نهایتاً با حکم رئیس جمهور در مهرماه ۱۳۹۲، سازمان فضایی با حفظ یکپارچگی به معاونت اجرایی رئیس جمهوری منتقل شد. پس از آن سازمان فضایی در ساختار جدید که قطعاً نسبت به ساختار قبلی دچار تنزیل در جایگاه سازمانی شده بود، ادامه فعالیت داد. اگرچه از ابتدای شروع به کار دولت یازدهم، از سوی مقامات مختلف وعده هایی برای پرتاب ماهواره به فضا داده شد، اما به دلایل مختلف هیچ کدام محقق نگردید. در ماه جاری، خبر از انحلال پژوهشگاه سازمان فضایی و برگشت سازمان فضایی به وزارت مخابرات در جراید منتشر شد که به معنای برگشت ساختار سازمانی آژانس فضایی ایران به شرایط ۵ سال گذشته است. البته در حکم رئیس جمهور به معاونت علمی ریاست جمهوری از ایشان خواسته شده که «مرکز ملی فضایی» با هدف «همه‌نگی، سیاست گذاری، برنامه ریزی و نظارت» را تشکیل دهند، اما این سوال باقی است که چرا قبل از تغییرات ساختاری در آژانس فضایی ایران، ابتدا ساختار این مرکز ملی ایجاد نشود؟ اگرچه قطعاً این تصمیم دولت با مطالعاتی همراه بوده است، اما آنچه مسلم است آن است که بی ثباتی و تغییرات سریع در ساختارهای فناوریانه و علمی کشور ضربات مهلکی را به آن وارد خواهد آورد، ضرباتی که شاید بتواند سالیان متمادی رشد صنعت ماهواره کشور را به تعویق بیاورد. صنعتی که با سرمایه گذاری مداوم و برنامه ریزی شده در آن می توان انتظار سودآوری چشمگیر در کنار ایجاد افتخار و عزت ملی را داشت.



زمانی که نیروهای ددمنش صدام حمله گسترده خود را به خاک کشور عزیزمان آغاز کردند، شهرها و روستاها یکی پس از دیگری به اشغال آنها در می آمد و در این میان اشغال خرمشهر عزیز تلخی دیگری داشت. در این وضعیت چند هیئت خارجی به کشورمان آمدند تا با کشاندن ایران به پای میز مذاکره با صدام به زعم خود ایجاد صلح کنند.

ملت شجاع و قهرمان ایران با پیروی از امام خود می دانست که مذاکره با دشمن غاصب و متجاوز قطعاً مذاکره برد-برد نخواهد بود چرا که موضوع مذاکره خاک و سرزمین فقط یک طرف مذاکره است که به اشغال طرف دیگر در آمده است و طرف متجاوز چیزی برای از دست دادن ندارد. از اینرو ملت ایران با رهبری

آن مرد الهی، تنها به خداوند متعال و توانمندی و غیرت خود اتکاء کرد و عزم خود را برای آزادسازی سرزمین های خود و بویژه خرمشهر عزیز جزم نمود و آن حماسه های الهی را آفرید.

در آن روزها هیچگاه کسی نگفت "برای آزادی خرمشهر مذاکره برد-برد با متجاوز داشته باشیم" و یا اینکه "آرمان های ما به خاک خرمشهر وصل نیست بلکه به دل و جان ما وصل است، پس بیا بید برای ضرورت آزادی آن فرماندوم برگزار کنیم". اگر چنین حرفهائی در آن روزها زده می شد و طرفدارانی پیدا می کرد، مطمئناً تاکنون خرمشهر در دست دشمن باقی مانده بود و وزرای خارجه ما یکی پس از دیگری راهی وین و ژنو و نیویورک می شدند و سعی می کردند مدام لبخند بزنند تا شاید اربابان صدام کمی به آنها توجه کنند. از آن بدتر آنکه امروز برای آزادی تنها بخشی از خاک خرمشهر، آرمان های بزرگی از ملت انقلابی ایران مطالبه می شد. نمونه عیان این سخن، نتیجه ده ها سال مذاکرات بی نتیجه و تحقیرآمیز بخشی از سران فلسطینی ها با دشمن غاصب سرزمین خود و با میانجی گری کدخدای معروف است. تحت این مذاکرات نه تنها تاکنون قدس شریف آزاد نشده است بلکه هر روز شهرک های اسرائیلی گسترش می یابند و سربازان اسرائیلی هر وقت دلشان بخواهد به کوچه و خیابان های مردم کرانه باختری یورش می برند و عده های را مظلومانه شهید و مجروح و بازداشت می کنند.

آیا خرمشهر به آرمان هایمان وصل بود؟

نویسنده:
یکی از اساتید دانشگاه



سبک زندگی (شماره ۵)

تربیت در محیط آموزش



دکتر محمدرضا طلایی - استادیار
دانشکده مهندسی راه آهن



است، می پردازد. این محیط، هم عرض محیط خانوادگی است. چون انسان چه بخواهد و چه نخواهد، روحش در ابعاد گوناگون در این محیط شکل می گیرد. در اینجا چند بحث مطرح است که من به این ها اشاره می کنم.

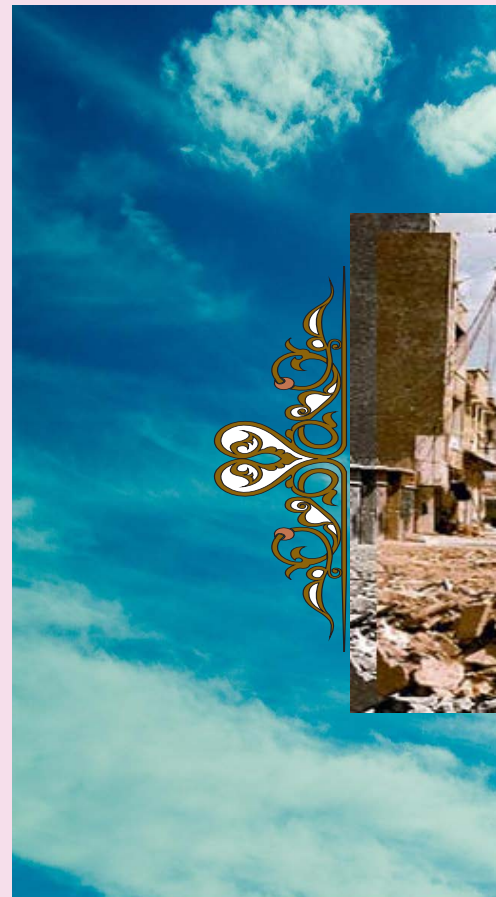
رابطه تعلیم و تربیت در معارف اسلامی

بحث اول این است که رابطه تعلیم و تربیت چیست و چرا ما اینها را کنار هم می گذاریم؟ تعلیم و تعلم مسأله آموزش است و در کنار آن مسأله تربیت مطرح می شود که عبارت است از روش گرفتن انسان از غیر و روش دادن به غیر. اگر دقت کنیم، می بینیم کسی که تزریق علم می کند و در مقام معلم قرار می گیرد، در کنار بحث آموزش، به انسان مقابل خودش روش رفتاری و گفتاری هم می دهد که من قبلاً این رابطه را بحث کرده ام. لذا ما در معارف اسلامی، هم از نظر آیات و هم از نظر روایات، می بینیم که این دو مورد را کنار هم مطرح می کنند. یعنی هرگاه مسأله تعلیم و تعلم را مطرح می کنند، در کنارش هم مسأله تربیت که جنبه های تأدیبی و روش

بحث ما راجع به تربیت بود در شماره های قبل درباره محیط هایی که انسان در آن ساخته می شود و به عبارتی در ابعاد گوناگون تربیت می شود و روش گفتاری و رفتاری می گیرد، صحبت شد و عرض شد که چهار محیط است که این اثر را بر روی انسان دارد؛ محیط های خانوادگی، آموزشی، شغلی و رفاقتی. البته این را هم گفتم که فضای پنجمی هست که حاکم بر این محیط ها است که انشاء الله بعداً خواهد آمد. در شماره های گذشته بحث راجع به محیط خانوادگی و اثرگذاری آن بر روی انسان بود و روش گفتاری و رفتاری گرفتن انسان در تمام ابعاد گوناگون را در آن جلسات بحث کردیم. اکنون در ادامه بحث سبک زندگی به بیان آداب تربیتی در محیط آموزشی از کلام آقا مجتبی تهرانی می پردازیم:

محیط دوم؛ محیط آموزشی

از این جلسه می خواهم وارد محیط دوم شویم که به طور غالب محیط آموزشی است. وقتی انسان در محیط آموزشی قرار می گیرد، در این محیط به تعلیم و تعلم که همان رابطه استاد و شاگردی



بلی، نه سانتریفیوژها، نه موشکها، نه صنعت هوا فضا، نه صنایع نظامی و نه هیچکدام از پیشرفت های علمی این مردم انقلابی، مستقیماً آرمان آنها نیستند. این امور جزو سرمایه ها و داشته های با ارزش ملت هستند که در مسیر آرمان های ملت و با عزم و تلاش آرمان خواهانه آنها حاصل شده اند. این امور سنگرها و خاکریزهای اولیه در برابر آرمان هائی همچون استقلال، عزت، پیشرفت، ظلم ستیزی، آزادی قدس و نابودی اسرائیل است. اینها خرمشهر سرزمین آرزوها و دستاوردهای ملت هستند. دشمنان ملت خیلی بهتر از بعضی ها این واقعیت را درک کرده اند و به همین دلیل اصرار زائدالوصفی در ربودن آنها از ملت ایران دارند. آنها تعجب می کنند که چرا بعضی ها مذاکره برای از دست دادن ولو بخشی از اینها را بازی برد-برد می نامند، چرا که موضوع اینگونه مذاکرات منافع غصب شده فقط یک طرف است و طرف غاصب چیزی برای از دست دادن ندارد. آیا بهتر نیست بار دیگر از تجربه آزادسازی خرمشهر استفاده کنیم و با اتکال به خداوند متعال، پیروی عملی از رهبری معظم انقلاب، تکیه بر توانمندی و غیرت ملت بزرگ ایران و البته تحمل سختی ها، مشکلات تحمیلی توسط دشمنان را از سر راه آرمان هایمان برداریم؟





مُؤَدِّبِهِمْ)) [۳] یعنی کسی که به خودش آموزش م دهد و خود را تربیت م کند، بیشتر از معلم و مربی دیگران سزاوار احترام و بزرگداشت است. اگر خودت به خودت چیز یاد دهی، بعد هم خودت را تربیت کنی، تو برای تجلیل سزاوارتر از آن کسی هستی که دیگران را آموزش م دهد و تربیت م کند. یعنی تو «خودت» «مقدمی که شعور پیدا کنی و روش اخلاقی و روش رفتاری صحیح را بیاموزی. لذا کسی که دارد خودش را می سازد، او سزاوارتر است که تجلیل شود تا آن کسی که از خود غافل است و دنبال سازندگی دیگران رفته است.

تفکی کناپذیری محیط آموزشی از محیط تربیتی

در این جا مسائل مختلفی مطرح می شود که یک بحث این است که آیا می شود بین تعلیم و تربیت جداسازی کرد یا نه؟ این مسأله بسیار مهمی است. در حالت عادی و به روش معمولی، یک استاد است و یک شاگرد؛ استاد به شاگرد رشته ای از علوم را می آموزد. آیا در اینجا می توان گفت که الآن استاد فقط دارد به او علم می آموزد و از نظر تربیتی، هیچ نقشی ندارد؟ می توانیم این را بگویم یا نه؟ من این روش معمول و متداول را دارم می گویم. یک وقت نگو بید من به روش معمول درس نم یخوانم و نوار گذاشته ام و از روی نوار درس م یخوانم! اتفاقاً در آن جا هم تأثیرگذاری تربیتی هست. البته من فعلاً درباره همین موضوعات و شیوه هایی که مورد ابتلا است صحبت م یکنم؛ ولی این را بدان که با اگر نوار هم علم می آموزی، آنجا هم تو داری از استاد روش گفتاری می گیری. خیال نکنی که با نوار از استاد تأثیر نمی پذیری! تعلیم و تربیت را به هیچ وجه نمی توان از یکدیگر جدا کرد. از جداسازی خبری نیست. با این توضیحات آیا می توانیم این ها را از هم جدا کنیم؟ شما در هیچ محیط آموزشی، نم بتوانید محیط تربیتی را جدا کنید و بگو بید تعلیم هست ولی تربیت نیست.

هیكل استاد روی شاگرد اثر دارد!

تربیت در روابط گوناگون مطرح است؛ هم دیداری اش هست، هم شنیداری اش هست، هم رفتاری اش هست. یعنی شاگرد هیكل استاد را که م ببیند، خوا هناخواه و خودب هخود، در ذهنش ثبت

نفر باشد، چه هزار نفر. تعلیم، در کنارش خواه ناخواه تزکیه هم مطرح می باشد. این یک مأموریت الهی است که در هر محیط درسی و تعلیمی، باید بحث تزکیه و تربیت باشد. شما نگاه کنید که سرآمد مأموریت انبیا در این آیات، مسأله تعلیم و تزکیه است. لذا م ببینیم خداوند در بحث محیط آموزشی که برای انبیای خود ترسیم م یکنند، این دو مورد را در کنار هم مطرح می کند؛ یعنی تعلیم و تربیت. پس به هیچ وجه جداسازی این دو مقوله صحیح نیست.

دوشادوشی تعلیم و تزکیه در روایات

به سراغ روایات برویم. چند روایت را به عنوان نمونه م یخوانم. در یک روایت از علی (علیه السلام) آمده است که حضرت خطاب به شخصی فرمود ((يَا مُؤْمِنُ إِنَّ هَذَا الْعِلْمَ وَالذَّبَّ ثَمَنُ نَفْسِكَ))؛ ای مومن به خدا! آنچه به تو ارزش م دهد علم و ادب تو است. حضرت علم و ادب را کنار هم گذاشت و فرمود آنچه که به تو ارزش می دهد تنها «علم» نیست؛ بلکه در کنارش باید ادب و تربیت هم باشد ((فاجتهد في تعلمهما))؛ پس در هر دو مورد کوشش کن! یعنی این دو را نباید از یکدیگر جدا کنی ((فَمَا يَزِيدُ مِنْ عِلْمِكَ وَ أَدَبِكَ يَزِيدُ فِي ثَمَنِكَ وَ قَدْرِكَ)) [۲] حضرت در اینجا بین ((میزان علم و ادب شخص)) از یک طرف و ((قدر و ارزش او)) از طرف دیگر موزانه برقرار کردند؛ می فرمایند هر قدر به علم و ادب افزوده شود، به ارزش تو افزوده می شود. یعنی این دو مورد در کنار هم به انسان ارزش می دهد.

تربیت خود، مقدم بر تربیت دیگران

در نهج البلاغه آمده است: ((وَمُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْجَلَلِ مِنَ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ

دادنی دارد را هم می آوردند. در معارف اسلامی این دو مورد را کنار هم می گذارند که این امر نشان می دهد که باید جهتی در کار باشد که من فهرست وار به بعضی از آن ها اشاره می کنم. ما آیات متعددی داریم که در باب تعلیم و تزکیه مطرح شده است که تزکیه همان تربیت نفس است. مثلاً در سوره بقره دارد: ((كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رُسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ)) [۱] این آیه شریفه، سه مأموریت را برای انبیا مطرح م یکنند؛ اول ((یتلوا علیکم آیاتنا)) تلاوت آیات الهی است. به طور خلاصه اولین هدف و وظیفه انبیا این است که آنها به ابناء بشر «بیدار باش» می دهند تا آنها را از خواب غفلت بیدار کنند. وقتی که بشر از خواب غفلت بیدار شد و متوجه انسانیت و جنبه الهی خود شد، مأموریت دوم مطرح می شود که فرمود: «وَ يُزَكِّيكُمْ»؛ یعنی بحث تزکیه را مطرح م یکنند. حالا که انسان چشم باز کرد و از خواب غفلت بیدار شد، مسأله تربیت و تطهیر نفس مطرح می شود. این به جهت اهمیت مسأله تربیت نفوس است. بعد از آن هم مأموریت سوم است که می فرماید: «وَ يُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ»؛ این هم جزء مأموریت انبیا است. لذا انبیا هم مأمور به تعلیم انسا نها هستند و هم مأمور به تربیت.

توجه به تربیت، پیش از تشکیل کلاس درس

گفتیم بحثمان درباره «محیط آموزشی» است. محیط آموزشی یعنی چه؟ هر محیطی که در رابطه با مسأله تعلیم و تعلیم است، داخل در این بحث است. مثلاً وقتی م یخواهید کلاس درس درست کنید، بحث تعلیم و تعلیم مطرح است؛ حالا چه م یخواهد این کلاس برای یک

بیت نشانه به بیسیج استاید





شیطان و

نقش او در زندگی انسان (۲)

محمد خلیج امیرحسینی
عضو هیئت علمی
دانشگاه علم و صنعت ایران
khalaja@iust.ac.ir

۱- معرفی شیطان:

در بخش به معرفی اجمالی شیطان از دیدگاه قرآن پرداختیم. دیدیم که شیطان مستکبر، کافر، عاصی و مطرود درگاه الهی (رانده شده، پست، خوار، سرکش، ملعون، فاسق، دروغگو، جهنمی) است. بعلاوه، شیطان به جهت انتقام، دشمن آشکار و قسم خورده انسان است. در ادامه به اهداف و شیوه‌های دشمنی شیطان با انسان‌ها می‌پردازیم.

۲- اهداف دشمنی شیطان:

شیطان از دشمنی خود با انسان چند هدف را دنبال می‌کند. عمده این اهداف عبارتند از:

۱- **اغوا کردن:** اولین هدف شیطان، اغوای انسان است چرا که در اینصورت زمینه سقوط او فراهم می‌شود و شیطان به دیگر اهداف دیگر خود هم می‌رسد. اغوای انسان به صراحت توسط شیطان اعلام شده است. قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (ص/۸۲) - قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (الحجر/۳۹).

۲- **خوار و ذلیل کردن:** ... وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَدُولًا (الفرقان/۲۹).

۳- **رام و مطیع خود کردن:** ... لِيُنْ

سالگی. به طور غالب این طور است. این چهارده سال، همان چهارده سالی است که محیط‌های آموزشی را تشکیل می‌دهد. این همان چهارده سال است که در روایات آمده است.

علت اهمیت محیط آموزشی: «برتری علمی + رابطه محبتی»

قوی‌ترین اثر تربیتی هم در همین محیط است. حتی از محیط خانوادگی هم اثرش بیشتر است. در محیط خانوادگی، رابطه بین فرزند، پدر و مادر، یک رابطه محبتی است، یا جنبه‌های مادی و سرپرستی هم مطرح است. اما در این محیط، یک چیز اضافه وجود دارد که غیر رابطه محبتی است. آن چیزی است که محبت حاشیه آن است. آن رابطه ((برتری علمی)) است. وقتی که این احساس با چاشنی محبت مخلوط می‌شود، خیلی مؤثر است.

همینکه بچه می‌گوید «استاد بهتر از من می‌فهمد»، کافی است که تمام رفتارها، خلقیات و اعتقاداتش را هم از او بگیرد.

این طور است که وقتی چنین شاگردی به مدرسه می‌رود، اگر معلمش بیاید و چهره کذابی درست کند، یا حرکات کذایی داشته باشد و حرف‌های خاصی بزند، شاگرد همیشه خودش را تخطئه می‌کند و می‌گوید کار او درست است چون او بیشتر از من می‌فهمد. با خودش می‌گوید حتماً کار او درست است. لذا احساس برتری علمی، کمال تأثیر را نسبت به امور تربیتی دارد و سبب می‌شود که طرف مقابل از او روش بگیرد. این عنصر «برتری علمی» همان چیزی است که در محیط خانوادگی نیست.

کسانی که متصدی امور آموزشی هستند، اگر صحیح عمل کنند، چه «خدمت» بزرگی کرد هاند و اگر غلط عمل کنند، چه «جنایت» بزرگی به جامعه کرد هاند! حرف‌های من پیچیدگی نداشت، خیلی روشن بود و چه بسا غالب شما بلکه همه شما در گیر این حرف‌ها بوده و هستید. اینکه روی محیط آموزشی زیاد تأکید شده است و ما در معارفمان داریم که مراقب باشید، به این جهت است. این دوران هم از نظر مقطع سنی که سن فراگیری است، و هم نسبت به رابط‌های بین استاد و شاگرد، بسیار اهمیت دارد.

[۱]- سوره مبارکه بقره، آیه ۱۵۱

[۲]- بحار الأنوار ۱۸۰۱

[۳]- نهج البلاغه ۴۸۰

[۴]- وسائل الشیعة ۲۱ ۴۷۵

می‌شود و تأثیر م‌پذیرد. استاد می‌گذرد و می‌رود، ولی اثرش را می‌گذارد و از بین نم‌یرود و به طور خوا هناخواه تأثیر م‌گذارد. من قبلاً گفتم که تربیت از عناوین قصیده نیست. این یعنی همین که گفتم و توضیح دادم. استاد چه در ربط با نکات دیداری، چه در ربط با گفتارش و چه در ربط با اعمالش، بر دانش آموز اثر م‌گذارد و آن فرد ناخودآگاه از او روش می‌گیرد؛ چه استاد بخواهد و چه نخواهد. حتی این را به شما بگویم که چه شاگرد بخواهد و چه نخواهد. نگاه کنید! هر دو طرف را گفتم؛ فرقی نمی‌کند.

سنین تربیت؛ هفت تا بیست و یک سالگی

در اینجا یک مطلب مطرح است که تأثیرگذاری معلم بر روی متعلم از چه چیزی نشأت م‌یگیرد؟ خوب دقت کنید! من از بحث محیط خانوادگی بیرون آمدم و رفتم به محیط آموزشی. جلسه گذشته نسبت به این بحث من دو روایت را خواندم که مربوط به سن بچه بود. بچه در چه سن و سالی روحش ساخته می‌شود؟ به طور غالب و معمول از هفت سالگی تا چهارده سالگی است. در روایت داشت تا هفت سالگی بچه بازی م‌ی‌کند؛ از هفت سال تا چهارده سال و از چهارده سالگی که دوباره هفت سال دیگر بگذرد، تا بیست و یک سالگی زمان رو شگیری و تربیت پذیری است. روایت را تکرار م‌یکنیم، خوب است. از امام صادق(علیه السلام) است که ((دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُؤَدِّبُ سَبْعَ سِنِينَ))؛ فرزندت را رها کن تا هفت سال بازی کند؛ بعد از هفت سال ادبش کن! اینجا است که روش می‌گیرد؛ اینجا تربیت می‌شود. «و الزَّمَّةُ نَفْسُكَ سَبْعَ سِنِينَ [۴]. هفت سال هم حواست جمع باشد و همراه خودت باشد؛ مراقبتش کن که از دستت نرود. ما دو روایت از امام صادق داشتیم که این یکی از آنها بود.

دوران مدرسه؛ اوج دوران تربیتی

پس چهارده سال است که در این چهارده سال، روح انسان در ابعاد گوناگون وجودی اش شکل می‌گیرد و ساختار پیدا می‌کند؛ از نظر روحی، جسمی، اعتقادی و اخلاقی، تا برسد به عملی که روش رفتار کردن است. تربیت چه بود؟ روش دادن و روش گرفتن بود. سن روش دادن در ابعاد گوناگون، چهارده سال است؛ یعنی از هفت سالگی تا بیست و یک



أَخْرَجَنِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لِأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا (الاسراء/۶۲)، اگر مرا تا روز قیامت زنده بگذاری، همه فرزندانم را، جز عده کمی، ریشه کن (طناب به گردن) خواهم ساخت. آیات دیگری هستند که نشان از سلطه جوئی شیطان نسبت به انسان دارد. در یکی از این آیات، شرط تسلط شیطان بر انسان، اغوای او بیان شده است، إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ (الحجر/۴۲).

۴- ناسپاس کردن: ... وَ لَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ (الأعراف/۱۷).

۵- جهنمی کردن: ... إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ (فاطر/۶) - ... أَوْلُو كَانِ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ (لقمان/۲۱).

قابل ذکر است که مجموع اهداف مذکور را می توان در این هدف اصلی خلاصه کرد که شیطان می خواهد انسان از مقام عالی خلیفه الهی پائین کشیده شود و منظور اصلی از خلقت انسان تحقق نیابد.

۳- شیوه های دشمنی کردن:

شیطان برای عملی نمودن دشمنی خود، شیوه های خاصی دارد که بطور مختصر به آنها اشاره می کنیم.

۱- ۳- کمین کردن:

شیطان در اولین مرحله بر سر راه انسان کمین می کند. قَالَ فِيمَا أُوغَيْتَنِي لِأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ (الأعراف/۱۶)، گفت اکنون که مرا گمراه ساختی، من بر سر راه مستقیم تو، در برابر آنها کمین می کنم. این کمین کردن از هر چهار طرف جلو، عقب، راست و چپ خواهد بود و به عبارت دیگر انسان را محاصره می کند. ثُمَّ لَا يَنْبَهُهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ أَيْمَانِهِمْ وَ عَنْ شَمَائِلِهِمْ وَ لَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ (الأعراف/۱۷)، سپس از پیش رو و از پشت سر، و از طرف راست و از طرف چپ آنها، به سراغشان می روم و بیشتر آنها را شکرگزار نخواهی یافت. قابل توجه آنکه کمین شیطان بگونه ای است که او و قبیله اش ما را می بینند حال آنکه ما آنها را نمی بینیم و از آنها غافل هستیم. ... إِنَّهُ يِرَاكُمُ هُوَ وَ قَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ (الأعراف/۲۷).

۲- ۳- امر به فحشاء و منکر:

یکی از شیوه های موثر شیطان در رسیدن به اهداف خود، امر به فحشاء و منکر و بدی است. الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُكُمُ بِالْفَحْشَاءِ ... (البقره/۲۶۸) - ... وَ مَنْ يَتَّبِعْ خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ ... (النور/۲۱) - إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ



قرآن آمده اند. در آیه ای دیگر علت پشت کردن برخی به حق را بصورت «الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَ أَمَلَى لَهُمْ» بیان نموده است. گفتنی است عبارت «قال بل سَوَّلْتُ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ أُمَّرًا» در مورد فرزندان حضرت یعقوب و عبارت «وَ كَذَلِكَ سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي» در مورد سامری، زینت اعمال را به نفس آنها نسبت داده است.

۴- ۳- وعده و آرزو:

یکی از شیوه های شیطان، وعده های دروغین و فریبنده به انسان ها و سرگرم نمودن آنها به آرزوهای دور و دراز است. وَ لَأُضِلَّنَّهُمْ وَ لَأَمْنِيَنَّهُمْ وَ لَأَمْرُنَّهُمْ ... (النساء/۱۱۹) - يَعِدُهُمْ وَ يَمْنِيَنَّهُمْ وَ مَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (النساء/۱۲۰) - ... الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَ أَمَلَى لَهُمْ (محمد/۲۵). اولین بار شیطان حضرت آدم و حوا را با همین وعده دروغین فریفت آنجا که به آنها گفت اگر از این درخت بخورید فرشته و جاودان خواهید شد.

۵- ۳- ترساندن:

شیطان تلاش می کند تا با ترساندن مانع از انجام اعمال صالح توسط انسان ها شود. به عنوان مثال هنگام انفاق آنها را از فقر و هنگام رفتن به عرصه جهاد آنها را از مرگ می ترساند. الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُكُمُ بِالْفَحْشَاءِ ... (البقره/۲۶۸) - إِنَّمَا ذَلِكَ الشَّيْطَانُ يَخَوْفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَ خَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران/۱۷۵).

بِالسُّوءِ وَ الْفَحْشَاءِ ... (البقره/۱۶۹). مظهر بارز فحشاء و مقدمه بسیاری از منکرات، برهنگی است. برهنگی انسان را از مقام بهشتی خود پائین می آورد همانگونه که در مورد حضرت آدم و حوا اتفاق افتاد. خداوند انسان ها را نصیحت می کند که مواظب باشید تا شیطان شما را فریبید همانطور که پدر و مادر شما را برهنه نمود و از جنت بیرون کرد. يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمُ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَاتِهِمَا ... (الأعراف/۲۷).

۳- ۳- زینت دادن دنیا و اعمال:

یکی از شیوه های شیطان، زینت دادن دنیا و نعمات دنیوی در چشم انسان است بطوریکه او را به آنها مشغول و از یاد خدا و معاد غافل نماید و در نتیجه مقدمات گمراهی فراهم گردد. شیطان در همان جلسه خلقت حضرت آدم و حوا، این شیوه را اعلام کرد. قَالَ رَبِّ بِمَا أُوغَيْتَنِي لِأَزِينَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (الحجر/۳۹). شیطان علاوه بر دنیا، اعمال بد انسان ها را هم در نظر آنها زینت می دهد بطوریکه از این اعمال نه تنها پشیمان نشوند بلکه به آنها ادامه دهند و افتخار هم بکنند. عبارت «زَيَّنَّ لَهُمْ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ» چند بار و عبارت «زَيَّنَّ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» یک بار، در مورد مشرکان، اقوام گذشته بطور عام و اقوام عاد و ثمود و سبأ بطور خاص در





مصاحبه با جناب آقای دکتر جبل عاملی

ریاست پیشین دانشگاه

تا ۱۳۸۲ مدیر دفتر همکاری‌های علمی و صنعتی دانشگاه (دفتر ارتباط با صنعت امروز) بودم. سپس در سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵ به عنوان رئیس دانشکده مهندسی صنایع مشغول به خدمت شدم و از سال ۱۳۸۵ تا اواخر پائیز ۱۳۹۲ هم به عنوان رئیس دانشگاه علم و صنعت در خدمت اساتید، دانشجویان و کارمندان دانشگاه بودم.

نبأ: ممکن است در مورد نحوه جدا شدن از مسئولیت ریاست دانشگاه و جزئیات آن برای خوانندگان نشریه توضیح دهید.

دکتر جبل عاملی: بنده معتقدم چرخش مدیریتی به نفع دانشگاه است. به هر حال دوره مسئولیت بنده طولانی‌ترین دوره در بین روسای دانشگاه - حداقل بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی - بوده است. شخصاً مایل بودم در مهر ماه ۹۲ و بعد از تغییرات مدیریتی در سطح کلان، مسئولیت را به شیوه‌ای منطقی به فرد دیگری واگذار کنم، لکن بنا به دلائلی در آن مقطع این موضوع ممکن نشد. زمانی که اعلام شد تصمیم بر این است که شخص بزرگوار جدیدی جایگزین شوند حدود ۱۳ ماه از حکم دوره دوم بنده باقی مانده بود.

نبأ: لطفاً در مورد نحوه اطلاع شما از این امر و جزئیات آن هم مطالبی بفرمایید.

در تاریخ ۱۶ دی ۱۳۹۳، خدمت آقای دکتر جبل‌عاملی ریاست محترم سابق دانشگاه رسیدیم و مصاحبه‌ای صمیمانه با ایشان داشتیم که از نظر تان می‌گذرد. لازم به ذکر است ایشان تمایل چندانی به انجام مصاحبه نداشتند ولی اصرار ما موثر واقع شد.

نبأ: آقای دکتر، سلام علیکم. خدا قوت و خسته نباشید. از اینکه وقتتان را در اختیار ما قرار دادید، سپاسگزاریم. **دکتر جبل عاملی:** سلام علیکم. بنده از شما تشکر می‌کنم. امیدوارم به لطف خدا مصاحبه خوب و مفیدی باشد.

نبأ: در ابتدا کمی درباره سابقه فعالیت‌های علمی، آموزشی و مدیریتی خود در دانشگاه علم و صنعت توضیح بفرمایید.

دکتر جبل عاملی: اولین بار در سال ۱۳۶۶ تدریس را به صورت حق‌التدریس در دانشکده مهندسی صنایع شروع کردم. آن ترم حال و هوای عجیبی داشت، موشک باران تهران زیاد بود و آن ترم معروف شد به ترم موشکی. از سال ۱۳۷۰ به عنوان مربی پیمانی در دانشکده مهندسی صنایع شروع به فعالیت کردم و در سال ۱۳۷۴ اولین پست رسمی در دانشگاه را در جایگاه مدیر کل آموزشی تا سال ۱۳۷۹ تجربه کردم. از سال ۱۳۸۰

۶-۳ کینه و عداوت:

شیطان به طرق مختلف تلاش دارد بذر کینه در دل انسان‌ها بپاشد و موجبات عداوت و دشمنی بین آنها را فراهم کند. البته یک طریق ایجاد عداوت تشبیه به شراب و قمار است. إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ ... (المائدہ/۹۱). او با این شیوه موفق شد بین برادران حضرت یعقوب (ع) جدائی بیفکند. ... مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَعَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي ... (یوسف/۱۰۰).

۷-۳ بازداری از یاد خدا:

شاه کلید همه شیوه‌های شیطان که می‌توان گفت در تمام شیوه‌ها بروز و ظهور دارد، مانع شدن از یاد و نام خداوند متعال است. اگر انسان از یاد خدا غافل شود، هر شیوه شیطانی موثر واقع خواهد شد. از خصوصیات حزب شیطان فراموشی یاد خدا ذکر شده است. اِسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ ... (المجادله/۱۹). در آیه دیگری اراده شیطان برای دوری از یاد خدا و نماز را بوسيله شراب و قمار دانسته است. إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَ يُصَدِّكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ ... (المائدہ/۹۱).

انشاء... در بخش بعدی این نوشته به نحوه مقابله با دشمنی شیطان خواهیم پرداخت.





دکتر جبل عاملی: ساعت هشت شب

بود که وزیر محترم علوم (جناب آقای دکتر فرجی دانا) با بنده تماس تلفنی گرفتند و فرمودند: تصمیم دارم یک چهره معتدل را جایگزین کنم و برای این منظور با آقای دکتر برخورداری صحبت کرده‌ام و ایشان هم پذیرفته‌اند، لذا حکم جدید صادر شده است. از بنده خواستند مقدمات انتقال مسئولیت را مهیا کنم. البته پیش‌تر بنده از ایشان درخواست ملاقات کرده بودم که در مورد مسائل دانشگاه با ایشان به طور حضوری صحبت کنیم و ایشان هم وقتی را تعیین کردند، لیکن بعداً دفتر ایشان جلسه را به دلیل مشغله وزیر محترم لغو کردند. بنده هم در آن تماس تلفنی از ایشان تشکر کردم که تکلیف را از بنده ساقط فرمودند و باری را از دوش من برداشتند. از این جهت که مسئولیت از دوش بنده برداشته شد احساس بهجتی به بنده دست داد و همچنین از اینکه وزیر شخصاً تماس گرفتند و شأن دانشگاه را حفظ کردند خوشحال بودم و از ایشان تشکر کردم.

نبا: در یکسال اخیر که از مسئولیت‌ها جدا شدید چه می‌کنید؟ آیا در دانشگاه کمتر حضور ندارید؟

دکتر جبل عاملی: خیر اغلب در دانشگاه هستم و اساتید و دانشجویان را بویژه در مسجد دانشگاه ملاقات می‌کنم، حتی پنجشنبه‌ها هم در دانشگاه حضور دارم. تنها فعالیت خارج از دانشگاه بنده در مرکز "الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت" است که در آنجا مسئولیت اندیشکده آمایش بنیادین را به عهده دارم. به هر

حال عضو هیأت علمی باید وقت خود را در تدریس و پژوهشی صرف کند. هم اکنون هم بنده کارهای پژوهشی جدیدی را با دانشجویان دکتری خود شروع کرده‌ام.

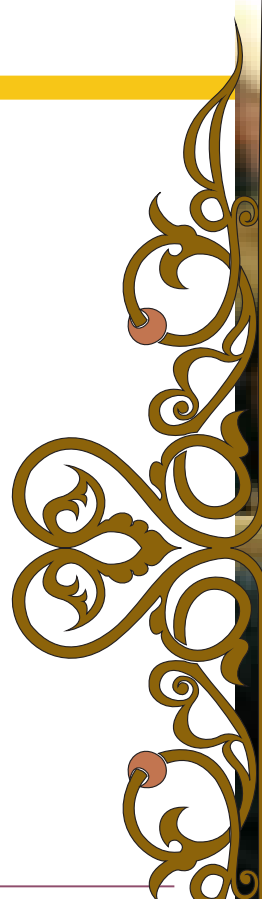
نبا: کمی هم درباره فعالیت‌های عمده‌ای که در دوران مسئولیت خود در دانشگاه انجام دادید توضیح بدهید.

دکتر جبل عاملی: سعی ما بر این بود که بر اساس یک برنامه راهبردی حرکت کنیم. بعد از اینکه بنده مسئولیت را تحویل گرفتم، ابتدا کمی زمان نیاز بود تا التهابات ناشی از عدم ثبات در مدیریت دانشگاه (حاصل تعیین سرپرست‌های متعدد برای دانشگاه) آرام شود. بعد از آن با همراهی و همفکری و کمک اعضای محترم هیأت ریسه و مدیران محترم ستادی و با مشارکت دانشکده‌ها، گروه‌ها و بخش‌های ستادی یک برنامه راهبردی تهیه کردیم. شاخص‌های کمی برای اهداف راهبردی تعیین کردیم و بر اساس آن‌ها حرکت می‌کردیم و به طور مستمر شاخص‌ها پایش می‌شدند. حاصل این حرکت دستاوردهای زیادی بوده که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنم.

- راه‌اندازی پژوهشگاه دانشگاه که از اولویت‌های اصلی ما بود چرا که می‌توانستیم از طریق آن سهم بیشتری در طرح‌های ملی داشته باشیم و در جذب طرح‌های ملی هم موفق شدیم.

- فعالیت‌های دانشگاه در زمینه ماهواره که منجر به پرتاب ماهواره نوید شد و شور و شوق خوبی در دانشگاه ایجاد کرد. بخش فضایی کشور هم به دانشگاه اعتماد خوبی پیدا کرد. در مورد طرح‌های فضایی دانشگاه، خدمت مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) هم به صورت حضوری گزارش دادیم و ایشان ابراز خوشنودی کردند و دستور همکاری با این دانشگاه و سایر دانشگاه‌ها را صادر فرمودند.
- در حوزه کارکنان دانشگاه سعی شد با تکیه به منابع دانشگاه وضعیت حق‌الزحمه و پرداخت آنها بهتر شود. همچنین بخشی از کارکنان شرکتی دانشگاه با مجوز هیأت امنا به شکل قراردادی تبدیل وضعیت شدند. البته تلاش برای تبدیل وضعیت بقیه ادامه داشت.
- پردیس دانشگاهی و آموزش الکترونیکی فعال گردید بطوری که ظرفیت قابل توجهی در این دو بخش ایجاد شد.
- دوره‌های تحصیلات تکمیلی و دکتری با تمرکز بر حوزه‌های بین





آوردیم. بخش اعظمی از اعتبارات را از درآمدهای اختصاصی دانشکده‌ها مهیا کردیم که نمونه بارز آن ساخت ساختمان دانشکده‌های صنایع و برق بود، چرا که بودجه دولتی این مجموعه کفاف ساخت طبقه اول این دو دانشکده را هم نمی‌کرد. همچنین کمتر از پنجاه درصد بودجه مجموعه‌هایی مانند استخر دانشگاه و ساختمان دانشکده کامپیوتر از بودجه دولتی تأمین شد. البته در پروژه کتابخانه عنایت مقام معظم رهبری موثر بود و دفتر ایشان همراهی خوبی برای بودجه این مجموعه کردند. بخشی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه هم که از تشریف‌فرمایی مقام معظم رهبری به دانشگاه تحت تأثیر قرار گرفته بودند کمک‌های خوبی را به منابع دانشگاه کردند. بعلاوه، مجموعه هیأت رئیسه دانشگاه هم وقت خوبی در مذاکرات خارج از دانشگاه برای جذب منابع اختصاص می‌دادند.

نبا: در مورد وضعیت فرهنگی دانشگاه در زمان مسئولیت خود کمی توضیح دهید. به طور خاص به نظر می‌آید در آن دوران وضعیت عفاف و حجاب مطلوب‌تر بود. چه برنامه‌هایی در این جهت پیاده‌سازی شده بود؟

دکتر جبل‌عاملی: ساختار دانشگاه به لحاظ حضور نخبگان ظرافت‌هایی دارد و با سایر مجموعه‌ها متفاوت است. در حوزه فرهنگی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری مرجع قانونی و شرعی می‌باشد. لذا ما سعی کردیم یک بستر هماهنگی بین نهاد و شورای دانشگاه ایجاد کنیم و شورای دانشگاه را هم در

سرانه ارزیابی کنیم علم و صنعت رتبه دوم دانشگاه‌های فنی مهندسی را بدست خواهد آورد.

نبا: فعالیت‌های عمرانی زمان شما نظیر دانشکده‌های برق، صنایع، کامپیوتر، علوم پایه و عمران و همچنین استخر، مجتمع یاس، کتابخانه مرکزی، پارکینگ شمالی و غیره زبازد خاص و عام است و نقطه عطفی در تاریخ دانشگاه به شمار می‌رود. می‌گویند علت توفیقات فعالیت‌های عمرانی زمان شما، تزریق منابع مالی توسط دولت وقت بوده است. نظر شما در این رابطه چیست؟

دکتر جبل‌عاملی: حقیقت این است که دستاوردهای عمرانی دانشگاه مرهون تزریق پول نبوده است. چرا که اگر بودجه عمرانی دانشگاه را با سایر دانشگاه‌های تهران حتی در همان زمانی که مسئولان سیاسی کشور از اعضای هیأت علمی دانشگاه ما بودند مقایسه کنید خواهید یافت که بودجه عمرانی دانشگاه علم و صنعت به مراتب کمتر از سایر دانشگاه‌های تهران بوده است. در این دوره از طریق یک کار تیمی منسجم و هماهنگ ساختار دانشگاه طوری تنظیم شد که توسعه زیر ساخت در اولویت قرار گیرد. در آن سالها معاونت توسعه در دانشگاه ایجاد شد. در سال‌های ۸۵ و ۸۶ از محل صرفه‌جویی البته با تأیید هیئت امناء، منابع مناسبی را بدست

رشته‌ای گسترش یافت تا بیشتر به حل مشکلات و مسائل کشور پرداخته شود و همچنین در این راستا دانشکده‌های فناوری‌های نوین و پیشرفت با مجوز شورای گسترش آموزش عالی و هیات امناء تاسیس گردید.

- در حوزه رفاه دانشجویان، خوابگاه‌ها توسعه یافتند و بهسازی شدند. همچنین سالن‌های رفاهی داخل دانشگاه بهسازی شدند و چند سالن رفاهی و مطالعه دیگر نیز ایجاد گردید.

البته برخی از پروژه‌ها و طرح‌ها را وقت نکردیم انجام دهیم یا به اتمام برسانیم مانند سالن چند منظوره ورزشی و فرهنگی جنب استخر، کتابخانه امام رضا (ع) و در سال ۸۵ فهرست دانشگاه‌های برتر کشور توسط وزارت علوم تهیه شد که متأسفانه نام دانشگاه علم و صنعت در بین ده دانشگاه برتر نبود. با یک برنامه‌ریزی منسجم و جهت‌گیری مشخص طوری دانشگاه سازماندهی شد که از رتبه ۱۳ در سال ۸۵ به رتبه سوم دانشگاه‌های فنی مهندسی کشور در سال ۹۱ ارتقا یافت. جالب اینکه اگر با شاخص‌های





حوزه فرهنگ فعال کردیم. ایجاد این بستر و همچنین همفکری اساتید و دانشجویان نقش مهمی در این عرصه ایفا کرد. برای نمونه با همین روش ما با عزت‌ترین مراسم تدفین شهدا را در بین دانشگاه‌های کشور داشتیم. ساختار مدیریتی دانشگاه را هم متناسب با اهمیت موضوع فرهنگ اصلاح کردیم و با تأیید هیأت امناء، معاونت فرهنگی را زودتر از دیگر دانشگاهها به ستاد دانشگاه اضافه کردیم. پیشینه تاریخی دانشگاه علم و صنعت یک صبغه فرهنگی برجسته‌ای دارد و اساتید دانشگاه ما اکثراً دارای شخصیت فرهنگی قابل توجهی هستند. البته نقش فعال امام جماعت دانشگاه که شخصیت دینی و اخلاقی برجسته‌ای دارند و همچنین محوریت مسجد دانشگاه هم نقشی بی‌بدیل داشت. تدابیر نمایندگان دفتر نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه و مشارکت فعال دانشجویان هم از اهمیت خاصی برخوردار بود به طوری که چندین دوره اردوی ورودی‌های جدید با مدیریت خود دانشجویان با موفقیت برگزار شد. در سند راهبردی هم جایگاه خوبی برای مقوله فرهنگ در نظر گرفته شده بود. از لحاظ تعداد اردوهای برگزار شده و همچنین تنوع و تعداد نشریات دانشجویی هم، دانشگاه ما خیلی فعال بود بطوریکه یکی دو سال بعنوان دانشگاه برتر شناخته شدیم.

در مورد بحث عفاف و حجاب باید دقت داشت که بین محیط دانشگاه و محیط بیرون از دانشگاه تفاوت آشکاری وجود داشته باشد. این استدلال درستی نیست که چون محیط بیرون نامناسب شده است داخل دانشگاه هم باید به همان شکل باشد. دانشگاه یک محیط فرهنگی است و استانداردهای بالایی را می‌طلبد. شفاف بگویم در دوره مسئولیت بنده دو رویکرد ایجابی و سلبی در مورد

عفاف و حجاب به طور همزمان اجرا شد. در بخش ایجابی ما سعی کردیم اولاً محیط‌های اختصاصی برای خانم‌ها ایجاد کنیم که بتوانند در آنجا راحت باشند و همچنین زیرساخت‌های رفاهی و فرهنگی و ورزشی خوبی را برای خانم‌ها و البته آقایان ایجاد کردیم. در بخش سلبی ابتدا تلاش شد که مقررات شفاف شده و به اطلاع همگان برسد. منشور اخلاقی را طبق مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی تهیه و پس از تصویب در شورای فرهنگی دانشگاه به اجرا در آوردیم. در این بخش با افراد اندکی که قانون را رعایت نمی‌کردند از طریق اتاق گفتگو وارد بحث می‌شدیم. قریب به اتفاق آن‌ها سهل‌انگاری خود را قبول می‌کردند. البته افرادی کمتر از انگشتان دو دست بودند که نیاز به برخورد انضباطی از طریق مسیرهای قانونی داشتند که با آنها تعارف نداشتیم. لذا برای کار در این حوزه هم راهکارهای ایجابی و هم سلبی باید مد نظر قرار گیرد. ضمناً نقش اساتید هم در این موضوع بسیار کلیدی است. اساتیدی هستند که می‌توانند دانشجویان را به روش مناسب با رعایت تمام جوانب نصیحت کنند و بسیار هم تأثیرگذار است.

نبا: در دوره مسئولیت شما هتاکی نسبت به مقدسات تقریباً وجود نداشت. آیا این موضوع علت خاصی داشت؟

دکتر جبل‌عاملی: راهبرد اصلی ما عدم ورود به حاشیه‌ها و عدم ایجاد بهانه برای حاشیه‌سازی بود. نقش دادن به اساتید در این زمینه بسیار کلیدی است. خود اساتید باید این موضوع را مدیریت کنند چرا که اکثر اساتید دانشگاه علم و

صنعت ایران خود از عناصر مؤثر در نظام و انقلاب اسلامی بوده‌اند. البته این را هم باید گفت که این حاشیه‌سازی‌ها معمولاً ریشه در خارج از دانشگاه و امیال برخی گروه‌های سیاسی حاشیه‌ساز دارد. حتی برخی اوقات این جهت‌دهی‌ها از طرف عناصر خبیث بیگانه مانند انگلیس در دانشگاه دامن زده می‌شود و عده‌ای هم که بصیرت لازم را ندارند همراهی می‌کنند. به هر حال قانون شکنی باید از مسیر قانونی مورد پیگرد قرار گیرد. همان‌طور که می‌دانید ما در اوج فتنه ۸۸ هم در دانشگاه علم و صنعت در بخش اساتید هنجارشکنی خاصی را شاهد نبودیم. باید دقت کرد که چنین حاشیه‌سازی‌هایی نتیجه‌ای جز اتلاف وقت برای دانشگاه ندارد.

نبا: معیارهای اصلی شما در انتخاب مدیران و روسای دانشکده‌ها چه بود؟ آیا معیارهای فرهنگی مانند اهتمام به نماز که در قرآن بعنوان شرائط مدیریت آمده است را هم در نظر داشتید؟

دکتر جبل‌عاملی: برای انتخاب روسای دانشکده‌ها ابتدا استمزاجی از دانشکده داشتیم و سپس در هیأت رئیسه دانشگاه با توجه به معیارهای مختلف علمی، توانمندی اجرایی و معیارهای فرهنگی افرادی انتخاب و برای ارائه برنامه به هیأت رئیسه دعوت می‌شدند. بعد با





کنند. وزارت علوم هم سیاست‌های تشویقی در این زمینه اتخاذ کرده است. البته در این دو دانشکده باید از پتانسیل سایر دانشکده‌ها هم استفاده کرد که تا حدی هم این چنین شده است.

نبا: به عنوان بخش آخر این گفتگو خواهش می‌کنیم در قالب جملات کوتاه نظرتان را در مورد عبارات ذیل بیان کنید؟

دانشگاه علم و صنعت ایران: یک ظرفیت بسیار قابل برای پیشرفت کشور. دکتر برخورداری: مردی شریف، زحمت‌کش و با تجربه. نهم دی ماه: نماد عدم همراهی عوام با بصیرت با خواص بی‌بصیرت.

مقام معظم رهبری: نایب امام زمان (عج). دکتر فرجی دانا: یکی از سرمایه‌های آموزش عالی که باید از آن در توسعه علمی کشور بهره گرفت.

دکتر فرهادی: وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری.

بسیج اساتید: یک ظرفیت کمتر شناخته شده که باید با فعالیت بیشتر نقش آن را در توسعه کشور و گفتمان انقلاب اسلامی برجسته‌تر کرد.

نبا: سخن پایانی اگر وجود دارد پذیرا هستیم.

دکتر جبل‌عاملی: بسیج اساتید ظرفیت ناشناخته‌ای در کشور است که باید با فعالیت خود او شناخته شود و از این ظرفیت برای توسعه علمی کشور و بسط و توسعه فضای گفتمانی انقلاب اسلامی استفاده شود. از شما هم تشکر می‌کنم و همچنین عذرخواهی بابت اطاله کلام. انشاءالله موفق باشید.

نبا: ممنون. خداحافظان باشد.

که چقدر خوب و با انگیزه دروس را ارائه می‌دهند و آرام آرام به کارهای پژوهشی دارند ورود پیدا می‌کنند. ما هم در هیأت رئیسه سعی کردیم با سیاست‌های مناسبی مانند اختصاص پژوهانه مناسب در دو سال اول این دوستان را حمایت کنیم. الان هم نباید شرایط را برای اساتید جدید سخت کنیم. همان روال معمول که برای همه اساتید فعلی (که اساتید جدید سالهای قبل هستند) لحاظ می‌شود مناسب است.

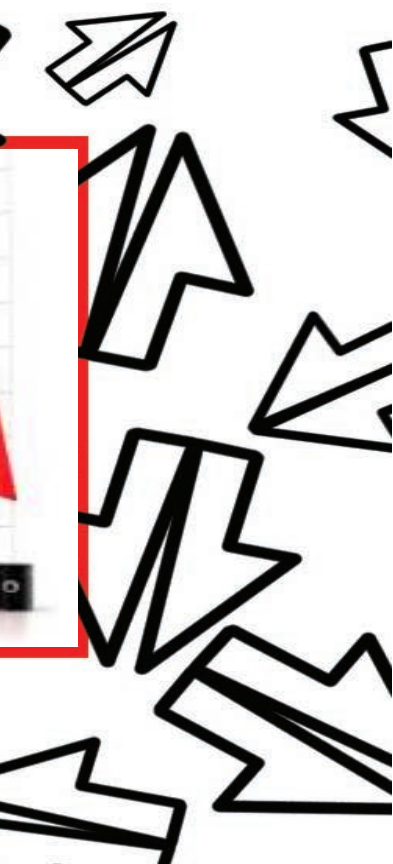
نبا: در مورد تأسیس دانشکده‌های جدید چگونه عمل کردید؟

دکتر جبل‌عاملی: دانشکده‌های جدید مهندسی پیشرفت و فناوری‌های نوین در یک بستر تدریجی و با توجه به نیازهای مختلف بخش‌های صنعتی و خدماتی و اقتصادی کشور و هماهنگی با تحولات علمی شکل گرفتند. دانشکده پیشرفت با توجه به نیاز کشور به حضور دانشگاه در فرایند حل مسائل کلان مدیریتی و پرداختن به مسائل کلان کشور ایجاد شد. بحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هم به عنوان یک موضوع کلیدی برای کشور مطرح است. از اینرو خدمت‌رسانی به این حوزه مأموریت اصلی این دانشکده است. دانشکده فناوری‌های نوین هم با هدف برقراری ارتباط با مسائل نوین موجود در صنعت ایجاد شد که بعضاً ماهیت چند رشته‌ای هم دارند. هر دو دانشکده جدید برای دانشگاه یک فرصت محسوب می‌شوند که بتوانند از پتانسیل علمی و تجارب ارزشمند اساتید، به ویژه در مرزهای توسعه فناوری‌های نوین در فضای بین رشته‌ای و فرارشته‌ای استفاده

توجه به برنامه ارائه شده و همچنین مقایسه با توانمندی روسای دانشکده‌های مشابه در دانشگاه‌های دیگر افراد انتخاب انجام می‌شدند. اهتمام به مسائل فرهنگی مانند تقیید به اقامه نماز (نه فقط نماز خواندن) هم برای ما مهم بود.

نبا: درباره فرآیند جذب اعضاء هیأت علمی در دوران مسئولیت خود هم توضیحاتی محبت بفرمایید.

دکتر جبل‌عاملی: استخدام و جذب یک فرآیند دائمی است و باید همیشه این فرآیند از طریق قانونی خود جاری باشد. ما هم در دوران مسئولیت همین روال معمول را ادامه دادیم. یعنی در هفت سال حدود ۱۰۰ عضو هیأت علمی جذب کردیم که عدد بالائی نیست. با توجه به شاخص‌های علمی و فرهنگی و با احتیاط بسیار زیاد اقدام به جذب می‌کردیم. طبیعی است که اساتیدی که جدید جذب می‌شوند جوان هستند، همیشه همینطور بوده است. ما از بین هزاران نفر صد نفر را جذب کردیم که کار بسیار سخت و دشواری بود. استخدام‌ها با هماهنگی دانشکده‌ها انجام می‌شد و در جلسات مصاحبه علمی، رئیس دانشکده، رئیس گروه و برخی دیگر از اعضاء گروه حضور داشتند. ارتباط چندانی با اساتید جوان ندارم ولی آنهایی که در دانشکده خودمان هستند را می‌شناسم و می‌بینم



چرا با روی کار آمدن دولت‌های اصلاح طلب، قیمت نفت سقوط می‌کند؟

بخشی از مقاله‌ای به قلم

جناب آقای دکتر

محمد سلیمان

هر شخصی نسبت به درآمد خویش بسیار حساس است و تمام ظرفیت‌های خود را به میدان می‌آورد و تدابیر لازم را به کار می‌بندد تا مبادا درآمدش کاهش یابد. این اصل واضح و منطقی در مورد دولت‌ها هم صدق می‌کند. یکی از وظایف اصلی دولت‌ها تلاش فعالانه برای

کسب درآمد بیش‌تر است و دولت باید از تمام ظرفیت‌های کشور برای این امر استفاده نماید. درآمد است که امکان هزینه کردن را فراهم می‌کند. همه چیز به میزان درآمد وابسته می‌شود.

اگر همه صرفه جویی‌ها صورت پذیرد، اگر از همه ریخت و پاش‌ها جلوگیری شود، اگر همه اولویت‌ها به خوبی رعایت گردد، اگر همه حساسیت‌ها در هزینه کردن‌ها رعایت گردد، اگر در قناعت به اوج برسیم، و اگرهای دیگر... ولی منبع درآمدی چند درصد کاهش یابد، انگار نه انگار که کاری انجام شده است. از این رو حفاظت از منابع درآمدی از اوجب واجبات است؛ امری که دولت و مجلس کم‌تر به آن حساس اند و کم‌تر به آن اهمیت داده می‌شود. هم درآمد ارزی نیاز کشور است و هم درآمد ریالی. در حال حاضر دشمن درآمد ارزی کشور را هدف

قرار داده است.

منابع اصلی درآمدی ارزی دولت را می‌توان دو بخش ذکر کرد: ۱- نفت و گاز شامل میزان تولید و قیمت فروش ۲- صادرات شامل تولیدات کشاورزی، معدنی و صنعتی. منابع اصلی درآمدی ریالی دولت را نیز می‌توان سه بخش ذکر کرد: ۱- فروش ارز در بازار آزاد ۲- مالیات ۳- واردات شامل تولیدات کشاورزی، معدنی و صنعتی.

اجازه می‌خواهم در مورد این موضوع مهم نکاتی را بیان کنم:

۱- نفت و گاز: در حال حاضر بالغ بر ۳۰ درصد درآمد مستقیم دولت از محل فروش نفت است، گرچه سایر درآمدها هم غیر مستقیم متأثر از فروش نفت است. البته باید توجه داشت که پایین بودن این درصد در حال حاضر عمدتاً به





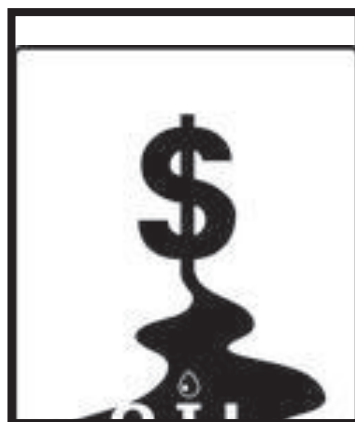
به نظر این جانب باید مجلس، دولت را موظف به تحرک و فعالیت برای بالا بردن قیمت فروش نفت کند و دولت گزارش‌های مستمر در این مورد به مردم و مجلس ارائه نماید. اگر این تکلیف برای دولت به صورت شفاف و قانونمند وضع نگردد، با روندی که دولت در پیش گرفته است باید شاهد کاهش بیش تر درآمد کشور در این حوزه باشیم. همه ذهن و وقت دولت در سطح بین‌المللی معطوف به مذاکره گردیده و درآمد دولت از محل نفت و گاز به فراموشی مطلق سپرده شده است. یادمان هست که در جریان بحران‌های نفتی، همواره وزارت امور خارجه، سفارتخانه‌ها و وزارت نفت و شرکت نفت بسیج می‌شدند و نمایندگان مربوطه کشور به کشور و سازمان به سازمان می‌رفتند و نشست پشت نشست برگزار می‌شد و اعضای اوپک هماهنگ می‌شدند. ولی متأسفانه در چند ماه اخیر تحرک قابل ملاحظه‌ای از سوی دولت مشاهده نشد و انگار همه دولتیان به خواب زمستانی فرو رفته اند. دم فرو بسته و پا دراز کرده اند و نفس قطع شده است.

دلیل کاهش تولید و کاهش فروش و به عبارتی به دلیل انقباضی بودن بودجه است. واقعیت این است که دولت در دو زمینه تولید و قیمت فروش به نوعی وادادگی دچار شده است و بسیار منفعلانه عمل کرده و می‌کند. در سه حوزه باید دولت موظف به اقدام و ارائه گزارش به مجلس و مردم گردد: یکی تلاش برای بالا بردن قیمت نفت و گاز، دیگری سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه مربوط به نفت و گاز و فرآورده‌های آن، و سومی بالا بردن توان و میزان تولید. متأسفانه شاهدیم که دولت به صورت ناباورانه و غیر قابل تصور به هر سه مورد فوق غیر حساس و بدون برنامه و تلاش است. گزارش سراسر ضد و نقیض آقای مهندس زنگنه در جلسه غیر علنی ۹۳/۱۰/۱۴ مؤید این مطلب است.

الف - تلاش برای بالا بردن قیمت فروش نفت و گاز ظاهراً در دستور کار دولت یازدهم نیست. سؤال منطقی و زیربنایی این است که چرا هر وقت دولتی اصلاح طلب بر سرکار آمده است، قیمت فروش نفت آن قدر پایین می‌آید که گاه کفاف هزینه تولید رانمی‌دهد؟! یادمان هست که در دوران سازندگی قیمت نفت به کم تر از ۱۰ دلار رسید و در دوره اصلاحات هم زیر ۳۰ دلار بود. ولی در دوران دولت نهم و دهم قیمت فروش نفت به بالای ۱۰۰ دلار رسید و دولت یازدهم فروش نفت را با قیمت حدود ۱۲۰ دلار تحویل گرفت با عدم تحرک و عدم تلاش و خنثی بودن کامل الان به حدود پنجاه دلار رسیده است. این نشان می‌دهد که دیپلماسی کشور در درآمد نفتی کشور نقش مستقیم دارد. یعنی دولت یازدهم نه تنها در حوزه مذاکرات هسته‌ای دستاورد قابل توجهی نداشت - علی‌رغم آن همه امتیاز که داد - بلکه باعث کاهش درآمد نفتی به میزان بیش از ۵۰ درصد شد. یعنی در بحث هسته‌ای، کشور - با بی‌تدبیری دولت - دو خسارت بزرگ دید: هم از مذاکرات بهره‌ای نصیب کشور نشد و هم درآمدهای نفتی کشور به نصف تقلیل یافت.



سهام هر نفر از صادرات نفت



شاخص است. در جدول زیر ۱۰ کشور نفتی که بیشترین صادرات نفت را در سال ۲۰۱۲ (اوایل تحریم‌ها) داشتند آمده است. همانطور که مشاهده می‌شود تفاوت فاحشی بین این شاخص در کشورمان با آن کشورهای خاص موجود است. گفتنی است در بهترین وضعیت صادرات کشورمان در وضعیت بدون تحریم (صادرات حدود ۲۵۰۰۰۰۰ بشکه در روز)، سهم هر نفر به کمی کمتر از یک بشکه در ماه می‌رسد.

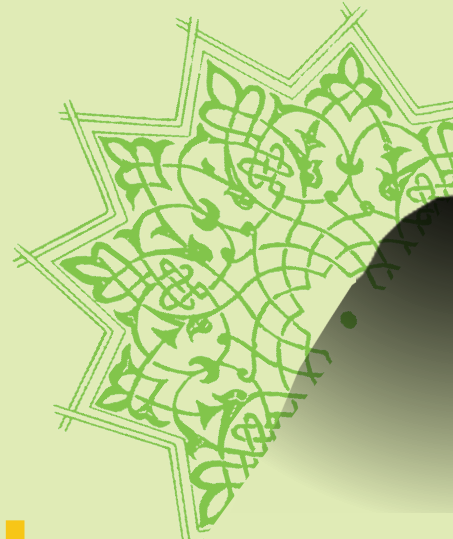
بعضی مواقع مشاهده می‌شود مقایسه‌هایی بین وضعیت اقتصادی کشورمان با بعضی کشورهای خاصی همچون قطر و امارات متحده می‌شود که باعث تعجب می‌گردد و سپس نتایج و تحلیل‌های عجیب و غریبی ارائه می‌شود. اولین و مهمترین شاخصی که معمولاً در این مقایسه‌ها در نظر گرفته نمی‌شود، سهم هر نفر از افراد از صادرات نفت است چرا که بودجه کشورهای نفتی به شدت متاثر و وابسته به این

ردیف	کشور	صادرات نفت (بشکه در روز)	جمعیت (نفر) (کاملاً دقیق نیست)	سهم هر نفر (بشکه نفت در ماه)
۱	عربستان سعودی	۸۸۵۵۰۰۰	۲۷۵۰۰۰۰۰	۹/۶۶
۲	روسیه	۷۰۰۲۰۰۰	۱۴۳۵۰۰۰۰۰	۱/۴۶
۳	امارات متحده عربی	۲۵۴۴۰۰۰	۵۲۰۰۰۰۰	۱۴/۶۸
۴	کویت	۲۳۴۷۰۰۰	۳۲۰۰۰۰۰	۲۲/۰۰
۵	عراق	۲۲۴۷۰۰۰	۳۱۸۰۰۰۰۰	۲/۱۲
۶	نیجریه	۲۲۲۴۰۰۰	۱۷۳۶۰۰۰۰۰	۰/۳۸
۷	قطر	۱۸۲۹۰۰۰	۱۹۵۰۰۰۰	۲۸/۱۴
۸	ایران	۱۷۲۸۰۰۰	۷۵۰۰۰۰۰۰	۰/۶۹
۹	آنگولا	۱۷۱۴۰۰۰	۱۹۳۰۰۰۰۰	۲/۶۶
۱۰	ونزوئلا	۱۷۱۲۰۰۰	۳۰۵۰۰۰۰۰	۱/۶۸



محور تخریب روحانیت متعهد

«وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ
مِلَّتَهُمْ» - قرآن مجید
یهود و نصاری هرگز از تو راضی نمی‌شوند تا آن
که از آیینشان پیروی کنی.



تهیه و تنظیم:
دکتر حسین صالح زاده،
عضو هیأت علمه
دانشکده عمران

مقدمه:

سخنان نتانیا هو در کنگره آمریکا- ۲۶ می ۵/۲۰۱۱ خرداد ۹۰: دفعه قبل که پشت این تریبون ایستادم درباره ایران هسته‌ای هشدار دادم. اکنون زمان گذشته و لولا و محور تاریخ ممکن است به زودی چرخش پیدا کند. امروز از تنگه خیبر در عربستان تا تنگه جبل الطارق در مراکش، تحول و دگرگونی عظیمی در حال وقوع است. این نوسانات که به زلزله شبیه است، کشورهای منطقه را متلاطم و دولت‌ها را متلاشی کرده است و همه ما همچنان شاهد ادامه این نوسانات هستیم... باید قبول کنیم نیروی قدرتمندی به رهبری ایران وجود دارد که با الگوی مورد نظر ما مخالف است. کسانی که ایران و خطر آن را نادیده می‌گیرند، سر خود را در شن فرو کرده‌اند.

- ادوارد شرلی عضو عالی رتبه‌ی سازمان جاسوسی آمریکا می‌گوید: کلید اصلی یک تغییر بنیادی در سیاست‌های ایران از بین بردن خصوصیت‌های انقلابی رژیم ایران است و این فقط با تحریم اقتصادی به دست نمی‌آید بلکه باید نفوذ روحانیت را از بین برد و عقاید انقلابی از درون تهی شود.
- در همان اوایل سلطنت پهلوی که فیصل پادشاه عربستان به ایران آمد زمانی که با رضاخان در درشکه سوار بودند و به سر مرز می‌رفتند رضا شاه به فیصل گفت: من با دو چیز بر اوضاع مردم مسلط شدم، یکی با خلع سلاح عشایر و قبایل و دیگری با گرفتن نفوذ روحانیت از مردم.
- امیرانتظام سفیر دولت موقت در استکهلم سوئد در شهریور ۱۳۵۸، در ملاقات با جورج کیو، معاون پیشین پایگاه سیا در ایران اظهار می‌دارد آخوند ها در آینده نزدیک مشکل ایجاد خواهند کرد چون آن‌ها با نفوذ بیگانگان در ایران سرسختانه مخالف هستند.
- اعلامیه سازمان منافقین در سال ۶۰؛ هر معممی که دیدید بکشید!
- دشمنی عمیق استعمار غربی به ویژه انگلیس و آمریکا با روحانیت اصیل و

نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران که برآمده از انقلاب اسلامی به رهبری امام راحل (س) بود در تعارض مستقیم با منافع غرب هم اکنون در محورهای مختلفی با جریان غربی-عربی-عبری در حال مبارزه ای گسترده است. این مبارزه تا کنون مراحل مختلفی را از شورش های قومی تا کودتا و جنگ نظامی علیه انقلاب پشت سر گذاشته است و اکنون وارد فاز نرم خود گردیده است. استراتژی دشمن در جنگ نرم برای اسقاط نظام و انقلاب اقدامی آبی و ناگهانی نخواهد بود

بلکه فرایند محور بوده ولذا کمتر از عنصر غافل گیری بهره خواهد گرفت. از اینرو، نشانه‌شناسی براندازی را می‌توان از طریق رصد کردن تلاش بی‌وقفه براندازان برای متزلزل نمودن اعتقادات دینی و پایه‌های قانونی و حداقل سازی رضایت و حمایت مردمی از نظام انجام داد. دشمن در عملیات فروپاشی به دنبال اقدام نرم، تدریجی، نامحسوس و هوشمندانه است. خروجی این نوع "جنگ نرم طولانی" را به صورت براندازی در چارچوب انقلاب‌های رنگی می‌توان تشریح کرد. در سلسله مطالبی که خواهد آمد به طور خلاصه به محورهایی که دشمن غربی و در راس آن‌ها آمریکا و صهیونیست ها و عوامل داخلی آن‌ها برای نیل به اهداف خود برگزیده اند تا با تخریب یا اثر گذاری بر آن‌ها از کابوس نظام اسلامی رهایی یابند پرداخته می‌شود.

محور تخریب روحانیت متعهد

امیر مومنان علیه‌السلام: هر رفته‌ای را باز آمدنی است، پس حق را از عالم ربانی و خداجوی خود بشنوید و دل‌هاتان را آماده کنید تا هنگامی که شما را فرا می‌خواند، آماده باشید.



شهید مطهری با عبرت‌گرفتن از آنچه در نهضت مشروطیت روی داد چنین هشدار می‌دهد: «انقلاب ایران اگر در آینده بخواهد به نتیجه برسد و همچنان پیروزمندانه به پیش برود می‌باید باز هم روی دوش روحانیون و روحانیت قرار داشته باشد. اگر این پرچمداری از دست روحانیت گرفته شود و به دست به اصطلاح روشنفکران بیفتد، یک قرن که هیچ، یک نسل که بگذرد اسلام به کلی مسخ می‌شود؛ زیرا حامل فرهنگ اصیل اسلامی در نهایت باز هم همین گروه روحانیون متعهد هستند.»



که این چه کرده، این عمامه خودش جرم است. و این عمامه جرمی است که در سابق هم بود این جرم و لهذا، هدف نوکرهای انگلیس هم در سابق همین بود که این عمامه را از بین بردارند و هر چه صالحتر، بیشتر باید از بین برود. و نکته‌اش هم این است که آن چیزی که آنها از آن می‌ترسند از اسلام است.

حضرت امام در مورد روحانیت مطالب مهم دیگری نیز دارند که ذکر می‌شود:

- اسلام بدون روحانیت مثل کشور بدون طبیب است..... وقتی بنا شد که مردم روحانیت را که او را هدایت می‌کند، کنار بگذارند و قرآن را [که] کتاب دینی‌اش است، کنار بگذارند؛ مردم نمی‌توانند دیگر کاری بکنند.... روحانیت مورد اتکاست که همه با هم مجتمع می‌شوند در آن. الآن که ایران قیام کرده است بحمدالله، الآن هم نقطه اتکا همین روحانیین هستند..... البته تذکر این نکته لازم است که در تمام نوشته‌ها و صحبت‌ها هر وقت نام «روحانیت» را به میان آورده‌ام و از آنان قدردانی نموده‌ام، مقصودم علمای پاک و متعهد و مبارز است..... اما قضیه این است که تبلیغات بر ضد روحانیت دامنه دار بوده است و این تبلیغات برای خاطر این بوده است که آن‌ها می‌خواستند که این جناح روحانی را از مردم جدا بکنند تا نتوانند این‌ها با هم مجتمع بشوند..... اسلام منهای روحانیت اسلام

متعهد و مبارز شیعه امری نیست که بر کسی پوشیده باشد چرا که همواره در هنگام یورش به منابع ایران برای غارت آن‌ها یا نقض استقلال و تمامیت ارضی کشور و یا تهاجم به بنیان‌های فرهنگی آن تنها و تنها و اولین سد و سنگر جدی و صادق و مقاوم و آماده شهادت در برابر خود را روحانیت متعهد می‌یافت و همواره از زاویه و کنج خانه‌ای محقر مردی با جسمی نحیف ولی روحی سترگ و تسلیم‌ناپذیر و در اوج وارستگی سینه خود را برای دفاع از استقلال و عظمت و شرف کشور و مردم سپر می‌کرده و آن‌ها را ناکام می‌گذاشته است. تاریخ این کشور در دوران معاصر به ویژه شاهی و روشن و مستند بر این حقیقت انکارناپذیر است. لذا کینه‌غریبان و غربگراها از روحانیت اصیل و متعهد شیعه کینه‌ای شتر نیست که هرگز از بین نمی‌رود و در هر فرصت بتواند زهر خود را خواهند ریخت که نمونه آن بر دار کشیدن شهید عظیم‌الشان آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری است که این انتقام‌نگین انگلیس و غربگراها از روحانیت متعهد شیعه در تاریخ ثبت گردید. در ادامه برای تاکید بر اهمیت نقش روحانیت متعهد شیعه و علمای مجاهد فراز‌هایی از سخنان امام راحل (س) ذکر می‌شود که از هر گونه توضیحی بی‌نیاز است:

- امام خمینی در ۲۱ آذر ۱۳۶۰ در دیدار با ائمه جمعه استان سمنان ضمن اشاره به مخالفت قدرت‌ها با نهاد روحانیت توصیه‌هایی به ائمه جمعه ارائه نمودند. اهم بیانات رهبر انقلاب در این دیدار عبارت است از؛

- شما می‌دانید که آنکه بیشتر از همه مورد توجه قدرتهای بزرگ است روحانیت است و آنچه بیشتر هدف است برای آنها و تفاله‌های آنها که در داخل هستند روحانیت است و لهذا، می‌بینید که چه اشخاصی را بدون اینکه یک جرمی، یک خطیئه‌ای داشته باشند، فقط برای اینکه یک مسلمی هستند که هدایت می‌کنند مردم را، آنطور شهید می‌کنند.

- آقای دستغیب را شاید شما آقایان کمتر بشناسید، لکن من می‌شناسم ایشان را. ایشان یک مرد وارسته به تمام معنا و معلم اخلاق، مرشد مردم و هرچه در صحبت‌هایش هست معنویات و دعوت به خدا و دعوت به اسلام است. معذک، اینها بنایشان بر این است که آنهایی که بیشتر دعوت به اسلام می‌کنند آنها را بیشتر هدف قرار بدهند.

- در اعلامیه‌ای که این مجاهدین فاسد، منافقین داده‌اند به افراد خودشان، این است که معمم را بکشید، هر معممی دیدید دیگر سؤال نکنید





جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله های آتشیان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند هرگز امان نامه کفر و شرک را امضا نمی کنیم.....

- ... و متعهدان مؤمن در اقلیت قرار گیرند که قشر مؤثر را که در آتیه حکومت را به دست می گیرند، از کودکی تا جوانی و تا جوانی طوری تربیت کنند که از ادیان مطلقاً، و اسلام بخصوص، و از وابستگان به ادیان خصوصاً روحانیون و مبلغان، متنفر باشند. و اینان را اعمال انگلیس در آن زمان، و طرفدار سرمایه داران و زمینخواران و طرفدار ارتجاع و مخالف تمدن و تعالی در بعد از آن معرفی می نمودند.

شهید مطهری با عبرت گرفتن از آنچه در نهضت مشروطیت روی داد چنین هشدار می دهد: «انقلاب ایران اگر در آینده بخواهد به نتیجه برسد و همچنان پیرومندان به پیش برود می باید باز هم روی دوش روحانیون و روحانیت قرار داشته باشد. اگر این پرچمداری از دست روحانیت گرفته شود و به دست به اصطلاح روشنفکران بیفتد، یک قرن که هیچ، یک نسل که بگذرد اسلام به کلی مسخ می شود؛ زیرا حامل فرهنگ اصیل اسلامی در نهایت بازهم همین گروه روحانیون متعهد هستند.»

منهای محتواسست. محتوای اسلام را اینها دارند درست می کنند. کسانی که به نام تجدد، روحانیت را ضعیف می کنند به توسعه فساد دامن می زنند. شکست روحانیت، شکست اسلام است. اینهایی که می گویند روحانیت باید دخالت نداشته باشد، نمی فهمند. یا می فهمند و مردم را اغفال می کنند. این اشتباه است. روحانیت نظارت بر اوضاع دارد. کارها دست کارشناسهای غیر روحانی است. روحانیون نظارتی بر امور دارند که غلطکاری نشود. یک وقت کودتا نشود، یک وقت ظلم به مردم نشود. روحانیت می خواهد جلو غارتگری و ستم و دزدی را بگیرد. همان نقشه زمان رضاخان الآن شروع شده است. آن وقت هم یکی یکی آمدند، کم کم، کم کم آمدند وارد شدند. شعرای آنها شروع کردند به شعر گفتن: «تا آخوند و قجر هست در این مملکت، این کشور دارا به جایی نمی رسد». شاعرشان اینطور می گفت. حالا من شعرش را نمی خواهم بخوانم. مقالاتی که می نوشتند مقالاتی بود که به ضد روحانیت بود. و آن وقت با کمال وقاحت می نوشتند و تبلیغات می کردند. همه گروهها را وادار کرده بودند که به ضد این طایفه و وظایف خودشان را انجام بدهند؛ یعنی وظایف انگلیسها را آن وقت. اصلاً رضاخان را آورده بودند برای اینکه این را تشخیص داده بودند که یک آدم قلدری است، و اول هم یک نفر روزنامه نویس را، «سیدضیاء» را همراهش آوردند، و بعد هم او را بیرونش کردند و خود این را گذاشتند که یک آدم قلدری است، می تواند کارها را انجام بدهد. اولاً سواد ندارد، مراتب چیزهای سیاسی را نمی داند، و ثانیاً آدم قلدری است، هر کاری به او بگویند می کند. این در آن وقت آن نقشه ای [بود] که آنها کشیده بودند، و احتیاط این بود که مبدا آخوندها یک کاری نکنند. من به صراحت می گویم ملیگراها اگر بودند، به راحتی در مشکلات و سختیها و تنگناها دست ذلت و سازش به طرف دشمنان دراز می کردند؛ و برای اینکه خود را از فشارهای روزمره سیاسی برهانند، همه کاسه های صبر و مقاومت را یکجا می شکستند و به همه میثاقها و تعهدات ملی و میهنی ادعایی خود پشت پا می زدند. کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهانخواران را نمی دانیم. ولی هیهات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند! البته ما مطمئنیم که در همین شرایط نیز آنها که با روحانیت اصیل کینه دیرینه دارند و عقده ها و حسادتهای خود را نمی توانند پنهان سازند آنان را به باد ناسزا گیرند. ولی در هر حال آن چیزی که در سرنوشت روحانیت واقعی نیست سازش و تسلیم شدن در برابر کفر و شرک است. که اگر بندبند استخوانهایمان را



آقایان

لطفاً به قانون عمل کنید!

یکه از اساتید دانشگاه



عکس تزئینی است.

اخیراً با دو نفر از دانشجویان دختر دانشگاه در حوالی آمفی تئاتر روباز روبرو شدم که یکی از آنها علاوه بر این که تقریباً نصف موهایش بیرون بود آرایش غلیظی کرده و رژ لب قرمزی هم کشیده بود و لباس بسیار تنگی هم بر تنش بود که می‌خواست منفجر شود. بنده از شان پرسیدم شما با همین ظاهر از درب انتظامات وارد شدید؟ گفتند بله. گفتم ایرادی نگرفتند؟ گفتند خیر. نهایتاً با لحنی طلبکارانه تشریف بردند. حال سوال این است که مگر جلوگیری از تخلفات و قانون‌شکنی آن هم بطور آشکار وظیفه مدیریت دانشگاه نیست؟ آیا عمل به قانون فقط در بازگرداندن عاجل افرادی خاص به دانشگاه خلاصه می‌شود؟



اخبار



fb.com/islamicTimelineCovers

خود به همراه نوشته‌هایی در محکومیت این اهانت و ابراز عشق و ارادت نسبت به جان‌ها منتشر نمودند.

منطق غرب از آزادی بیان

نخست وزیر انگلیس در مصاحبه خود و در واکنش به سخنان رهبر کاتولیک‌های جهان گفت که رسانه‌ها حق چاپ مطالبی را دارند که می‌تواند برای عده‌ای توهین‌آمیز تلقی شود. او افزود: «فکر می‌کنم در یک جامعه آزاد، حق توهین به دین دیگران وجود دارد». کامرون گفت: «من یک مسیحی هستم. اگر شخصی چیزی توهین‌آمیز درباره مسیح بگوید، ممکن است آنرا توهین‌آمیز بدانم. اما در یک جامعه آزاد من حق این را ندارم که مثلاً نفرت خود را بر سر آنها خالی کنم». او تاکید کرد تا زمانی که نشریات در چارچوب قانون عمل کنند، آنها حق چاپ هر مطلبی را دارند؛ حتی اگر این مطالب برای عده‌ای توهین‌آمیز باشد.

تجمع بزرگ ۹ دی

امسال نیز تعداد کثیری از دانشگاهیان اعم از اساتید، دانشجویان و کارکنان دانشگاه، پس از اقامه نماز جماعت ظهر

محکومیت اهانت به جان‌ها

پس از اقدام مشکوک تروریستی در فرانسه، به یکباره موج اسلام ستیزی توسط دولت‌های غربی آغاز شد. همان‌ها که تروریست‌های داعشی را ایجاد و تسلیح کردند، خود را ضد تروریست و مسلمانان را تروریست خواندند. در همین راستا یک نشریه معلوم الحال اقدام عامدانه در چاپ کاریکاتور موهن از نبی مکرم اسلام (ص) نمود. این اقدام موج محکومیت را در میان ملت‌های مسلمان دنیا به همراه داشت. مقابل سفارت فرانسه در تهران، عده زیادی بویژه از دانشگاهیان (بدون حضور مقامات دولتی) تجمع کردند و اعتراض خود را اعلام نمودند و به جای وزارت خارجه نیز فریاد زدند. چرا که در همین زمان جناب وزیر خارجه با آرامش به فرانسه رفت و سخن از گسترش روابط دو کشور راند. در دانشگاه علم و صنعت هم علاوه بر سخنرانی در مسجد، بیانیه‌هایی در این راستا منتشر شدند. همچنین عده‌ای از اساتید و کارکنان دانشگاه در اقدامی ابتکاری عکس‌هایی از

NON RIEN N'EST PARDONNÉ!*

(NOTHING IS NOT FORGIVEN)



اهدای لقب جدید به منتقدان

جناب آقای دکتر روحانی، روز ۱۴ دی لقب جدیدی را به منتقدان خود عطا کردند. این لقب "متوهمان" بود. فکر می‌کنید لقب بعدی چه خواهد بود؟ متذکر می‌شود در منشور اخلاقی که ایشان در ابتدای تشکیل دولت خود با تبلیغات زیادی اعلان کرده بودند، یک بند مربوط به احترام به منتقدان و گوش دادن به حرف آنها است.

افزایش اعتبار گذرنامه ایرانی

پس از حدود یک سال، هنوز ایران نماینده رسمی در سازمان ملل ندارد و جناب کدخدا راضی به پذیرش شخص معرفی شده از طرف دولت تدبیر و امید نشده است. از طرف دیگر سفارت فرانسه برای صدور روادید به بانوان ایرانی شرط عکس بدون حجاب را گذاشته است. ضمناً ساختمان و اموال چند میلیارد دلاری بنیاد علوی در آمریکا هم نوش جان کدخدا شد و دیگر صحبتی هم از آن نیست. معلوم نیست اگر مشابه چنین چیزهایی در زمان دولت نهم رخ می‌داد چه می‌شد؟ البته ناگفته نماند شیردال تقلبی در موزه‌های ما جا خوش کرد.

دروغ و تهمت بزرگ "کودتای انتخاباتی" را به نظام بزند. از مظلومیت‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی آنکه نفر دیگری (هتاک دوم) در کسوت استاد دانشگاه به خود اجازه می‌دهد به بالاترین رکن شرعی و قانونی نظام توهین و اهانت کند و حتی به ساحت قرآن کریم نیز تعرض کند و اکنون با خیال راحت از عدم مجازات قانونی به کارهای خود ادامه دهد. از مظلومیت‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی آنکه نفر دیگری در کسوت استاد دانشگاه به خود اجازه می‌دهد رسماً و بطور علنی مروج گلدکوئیست باشد و به بزرگان دینی توهین کند و اکنون پس از ماه‌ها هنوز هیات هم عرض برای وی تشکیل نشده است. واقعا کجای دنیا اینگونه است؟!

کنار رفتن

همزمان با انتصاب بعضی از اساتید دانشگاه در مناصب وزارت علوم، با خبر شدیم یکی از اساتید دانشکده برق که مدیر کل اداره بورس وزارت علوم بودند، در اواسط دوره‌شان از این مدیریت مهم و البته حاشیه‌دار شده مستعفی شدند.

و عصر برای گرامیداشت روز حماسه ملی ۹ دی در اطراف مقبره شهدای دانشگاه جمعی انقلابی داشتند. در این مراسم که روز سه‌شنبه نهم دی برگزار گردید، شعارهایی در بیعت با ولایت و بیزاری از عوامل فتنه و استکبار جهانی سر داده شد. سپس بیانیه بسیج دانشجویی و بسیج اساتید قرائت گردید. در ادامه آیت‌الله حمیدی سخنانی در اهمیت روز ۹ دی و ضرورت داشتن بصیرت ایراد نمودند. گفتنی است، امسال گرامیداشت نهم دی در تبلیغات رسمی دانشگاه مشاهده نشد و تاسف‌آورتر آنکه هیچگونه اشاره‌ای لاقبل به خبر این تجمع بزرگ در سایت دانشگاه و خبرنامه الکترونیک دانشگاه هم نشده است!؟

از مظلومیت‌های نظام

از مظلومیت‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی آنکه یک نفر (هتاک اول) در کسوت استاد دانشگاه به خود اجازه می‌دهد پنجه روی ارکان نظام بکشد و حتی به بالاترین رکن شرعی و قانونی آن توهین و اهانت کند و اکنون پس از ۱۰ ماه مشغول تدریس دانشجویان معصوم کشور باشد و اخیراً با جرات زیاد مجدداً





بیانیه بسیج اساتید دانشگاه علم و صنعت ایران در محکومیت اهانت به ساحت قدسه قطب عالم امکان، حضرت ختمه مرقتب محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم



یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا بطانته من دُونکم لایألو نکم خبالاً وُدّوا ما عنثکم قد بدت البغضاء من أفواههم و ما تخفی صدورهم أكبر
قد بینا لکم الآیات إن کنتم تعقلون

ای اهل ایمان، از غیر همدینان خود دوست صمیمی همراز نگیرید، چه آنکه آنها از خلل و فساد در کار شما ذره‌ای کوتاهی نکنند،
آنها مایلند شما همیشه در رنج باشید، دشمنی شما را بر زبان هم آشکار سازند و محققاً آنچه در دل دارند بیش از آن است. ما به
خوبی برای شما بیان آیات کردیم اگر عقل را به کار بندید. (۱۱۸ آل عمران)



فرهنگ و ارشاد اسلامی موضعی صریح نسبت
به آنها اعلام کند و با آنها راسا برخورد
نماید؟

ما این مصیبت عظمی را به محضر حضرت
حجه ابن الحسن روحی و ارواح العالمین له
الفداء تسلیت عرض می‌کنیم. ای آقا و سرور
ما، ما با تمام هستی و وجودمان در حمایت
از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در
میدان هستیم و با تمام قدرت هر آن چه در
توان داریم برای یاری دین مبین و روشنی
بخشمان و مقابله با آمریکا این تروریست
بالذات به کار خواهیم بست.

بسیج اساتید دانشگاه علم و صنعت ایران
ضمن محکومیت شدید اقدام موهن نشریه
شیطانی شارلی ابدو و همراهان داخلی آن،
از مراجع ذیصلاح بویژه قوه قضائیه و مجلس
شورای اسلامی تقاضا دارد تا به وظیفه خود
عمل کنند تا بلکه از سنگینی این درد جانگناه
بر دل‌های این ملت بزرگ بکاهند.
یا رب محمد بحق محمد اشرف صدر محمد
بظهور الحجه

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته
بسیج اساتید دانشگاه علم و صنعت ایران
۹۳/۱۰/۳۰

در این امتحان بزرگ بسیاری از حاکمان
مزدوری که بر کشورهای مسلمان حکومت
می‌کنند، نتوانستند سرفراز بیرون آیند و
باطن حقیقی خود را در برخورد شدید با
معرضان به این هتک حرمت نشان دادند.
باید در میدان حمایت از رسول الله (صلی الله
علیه و آله و سلم) تمامی ملت‌های آزاده و در
راس آنها ملت بزرگ ایران بار دیگر مشت
محکمی بر دهان یاهو گویان و هتاکان بی
منطق بنوازند. باید دشمنان زبون این ملت
بزرگ دوباره بفهمند ملت ایران همان ملتی
هستند که در ۲۲ بهمن ۵۷ و ۹ دی ۸۸ آن
مشت‌های محکم را بر دهان آمریکا و هتاکان
حریم دین نواختند.

از تمام این وقایع تلخ آنچه بیشتر دل‌های
مومنان آزاده را می‌آزارد، رفتار غیر غیرتمندانه
وزیر امور خارجه انقلابی‌ترین و اسلامی‌ترین
کشور دنیا نسبت به حامیان این اهانت‌ها
و سفر به مهد این توهین‌ها و قدم زدن
دوستانه و صمیمانه با بزرگترین دشمنان
رسول مکرم و شکستن قبح این گونه روابط
می‌باشد. البته رفتار خائنانه روزنامه‌های
زنجیره‌ای و همراهی آنها با هتاکان چندان
غیر قابل انتظار نبود. اما آیا نباید وزیر

انا لله و انا الیه راجعون

بار دیگر دشمنان زبون امت اسلامی و در راس
آنها اسرائیل، آمریکا و فرانسه، کینه‌های در
دل نهفته‌شان از شکست‌های اسلافشان در
بدر و حنین و خیبر را به خبثات‌آمیزترین
شکل ممکن بروز دادند. این بار در کشوری
که حتی اظهار نظر در مورد واقعه یا افسانه
هولوکاست، یک نویسنده تاریخ‌نگار را به
مسلخ زندان می‌کشاند، با سوء استفاده از
لفظ آزادی بیان، یک نشریه صهیونیستی
به قطب عالم امکان پیامبر بزرگ خدا
اهانت می‌کند و تشویق هم می‌شود. به
راستی اهانت به اشرف مخلوقات، فرستاده
رحمه للعالمین و بشیر رحمت و هدایت،
که تمام هستی طفیلی آن وجود مقدس
بوده و محبوب حداقل یک میلیارد و نیم
انسان می‌باشند، به جز از جنایتکارانی چون
آمریکا و صهیونیست‌های غاصب بر می‌آید؟
رسول عزیزی که حضرت حق به جانش در
"لعمرك" قسم یاد می‌نماید و در
"و لکم فی رسول الله اسوه حسنه"

ما را به الگوگیری از اخلاق حسنه او که تجلی
اسماء حسنای الهی است توصیه می‌نماید، و
در رئیس می‌فرماید:

"ثم دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی
دنوا و اقترابا من العلی الاعلی".

یا رسول الله، ای که
از نام محمدیت میمی حلقه شده این بلند
طارم

تمام جان و مال و آبرو و هستی و حیثیت ما
به فدای تو.

عزیزان، تمام آن چه داریم در این وجود
مقدس خلاصه می‌شود و دشمن به دنبال
محک میزان ارادت و حساسیت ما به این
پیامبر عظیم الشان است. این عرصه امتحان
بزرگ الهی است. عرصه‌ای که اگر تمام
هستیمان را در آن هزینه کنیم باز هم حق
مطلب را ادا نکرده‌ایم.

نبا نشریه فرهنگ، اجتماع، سیاسی و علمه بسیج اساتید

دانشگاه علم و صنعت ایران



صاحب امتیاز: بسیج اساتید دانشگاه علم و صنعت ایران
مدیر مسئول: حسین صالح زاده
سردبیر: محمد خلیج امیرحسینی

مطالب منتشر شده در نشریه لزوماً موضع بسیج اساتید دانشگاه نیست.

نشریه نبا از هرگونه انتقاد، پیشنهاد یا مطالب ارسالی دانشگاهیان محترم به ویژه اساتید محترم استقبال
می‌کند. جهت ارسال مطالب خود، آنها را به آدرس الکترونیکی naba@iust.ac.ir بفرستید.

